

ضرورت مبارزه با سرکوبهای طبقاتی گسترش یافته... صفحه ۵	ریاستی یا پارلمانی..... صفحه ۱۳
سوسیالیسم در برابر نظام اسلامی تخیلی!..... صفحه ۸	در جنبش جهانی کمونیستی..... صفحه ۱۷
کارگران مهاجر و کشورهای متروپول..... صفحه ۹	تشنج آفرینی جدید و موضع کمونیستها..... صفحه ۱۷
بهرام راد..... صفحه ۱۱	سلاح های الکترومغناطیسی روسیه می تواند
لنین: بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم -..... صفحه ۱۲	"کارآمد تر از سلاح های هسته ای" باشد... صفحه ۱۷
سکتاریسم بیماری مزمن جنبش کمونیستی..... صفحه ۱۲	

به مناسبت درگذشت محمد جراحی کارگر مبارز کمونیست

هرشب ستاره ای به زمین می کشند و باز این آسمان غم زده غرق ستاره است

رژیم ددمنش اسلامی نوکر نظام سرمایه داری، از تجاوز به حقوق و آزادی بیش از ۸۰ درصد توده های کارگر و زحمت کش حتا یک روز دست برنداشته و کارگران مبارزی را که در دفاع از حقوق پایمال شده بیش از ۱۵ میلیون کارگر دست به اعتراض و حتا ایجاد سندیکای کارگری بزنند، دستگیر، شکنجه، و زندان محکوم می کند. در زندانهای فاشیستی این رژیم در اثر شکنجه، کارگرانی جان می بازند و یا دچار چنان امراض کشنده ای بقیه در صفحه چهارم

در گذشت جلال طالبانی

جلال طالبانی یکی از رهبران جنبش ملی دموکراتیک در کردستان عراق که کردها او را مام (عمو) جلال خطاب می کنند، در گذشت. او یکی از تاثیرگذارترین رهبرانی است که در چند دهه گذشته و بویژه بعد از شکست جنبش کردستان با همکاری آمریکا، شاه و ملا مصطفی بارزانی در سال ۱۹۷۵ میلادی و بعد از قرارداد الجزیره بین شاه و صدام حسین در جنبش خلق کرد خود را نشان داد. او که عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی بود، بعد از تسلیم بارزانی و شکست این جنبش به آن تن در نداد و با سازماندهی مجدد جنبش خلق کرد توسط سازمانی به نام اتحادیه میهنی کردستان که خود بوجود آورده بود، به ادامه آن خدمات شایانی کرد. دفاع از جنبش انقلابی در هندوچین، دفاع از مبارزات رهایی بخش خلق فلسطین، مناسبات دوستانه با نیروهای چپ و بقیه در صفحه پنجم

درسهای صدمین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، زنده و آموزنده اند:

(۱) بدون مسلح شدن به تئوری انقلابی کمونیسم علمی و تلفیق آن با شرایط مشخص انقلاب در هر کشور، در مورد کسب قدرت سیاسی بر اساس دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا و دموکراسی شورائی، تغییر در هر کشور و جهان متکی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و تبدیل آن به مالکیت عمومی به سوی تعمیق سوسیالیسم ممکن نیست. در آن زمان رهنمودهای مارکسیسم، روشنی بخش مبارزه طبقاتی طبقه کارگر جهان و روسیه بود که با تغییرات عینی بوجود آمده توسط لنین در جمع بندی تکامل این تئوری در شرایط جدید صورت گرفت؛

(۲) بدون نیروی مادی شرکت کننده در تغییر جهان تنها با پذیرش آگاهی و برنامه کمونیستی فاقد پایه توده ای از جنبش کارگری پیروزی موثر واقع نمی شود. ایجاد حزب سیاسی پیشرو کمونیست هدایت کننده راستین فعالان کارگری کمونیست در این حزب، متشکل کردن عناصر مبارز کارگر و زحمت کشان دیگر از این طریق نیروی مادی آگاه تغییر جهان فراهم شد؛

(۳) برنامه حزب کمونیست (بلشویک) روسیه، با انعکاس خواسته های رهایی طبقه کارگر و زحمت کشان و برای تحقق آن، روی ضرورت بقیه در صفحه دوم

آموزه هائی از دو انقلاب بزرگ و پیروزمند در عصر امپریالیسم

در تاریخ مدرن جهان بویژه در ۲۳۰ سال گذشته انقلابات و دگر دیسی های متعددی در اکناف جهان بوقوع پیوسته اند که هر یکی بنوعی در زندگی جوامع بشری تاثیرگذار بوده اند. ولی از بین این انقلابات به قول اکثریت عظیمی از مورخین، سه انقلاب (انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و انقلاب چین در ۱۹۴۹) بیشتر از دیگر انقلابات و دگر دیسی ها در زندگی بشر تاثیر گذار و دارای ارزش های جهانشمول بوده اند. از میان این سه انقلاب بزرگ، دو انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب چین در قرن بیستم در کشورهای در بند پیرامونی جنوب و در بحبوحه فراز امپریالیسم در عصر و مرحله سرمایه داری انحصاری، به وقوع پیوسته اند. در این نوشتار کوتاه به بررسی چندین آموزه تاریخی پیرامون این دو انقلاب، می پردازیم.

آموزه هائی از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه - لنین و یارانش (بوخارین، استالین و...) در روسیه و سالها بعد مائو و یارانش) چون لای و چوته و...) در چین در شکل گیری و رشد این دو انقلاب نقش های موثری ایفاء کرده و در پیروزی آنها سهم به سزایی داشتند. آنها به عنوان رهبران احزاب کمونیست انقلابی و بعدا به عنوان رهبران دولت های انقلابی با معضلات و چالش های روبرو گشتند که منبعث از این واقعیت تاریخی بودند که آن انقلابات پیروزمند نه در کشورهای مسلط مرکز بلکه در کشورهای در بند پیرامونی و نیمه پیرامونی نظام جهانی سرمایه، به وقوع پیوستند. این معضلات و چالش ها رهبران این انقلابات را مجبور ساختند دست به اتخاذ انگاشت ها و برنامه هائی بزنند که ضرورتا در بعضی موارد با اندیشه ها و گفتنمان بقیه در صفحه سوم



درسهای صدمین سالگرد ...

بقیه از صفحه اول

توجه و اتخاذ تاکتیکها و استراتژیهای دقیق عمیقاً الهام گرفته از اوضاع عینی این خواستها و لذا به کار گرفتن ماتریالیسم دیالکتیکی در برخورد به بررسی و پیشنهاد هرسایستی در پیشروی مبارزه طبقاتی کارگران، صحت این ارزیابیها را در مبارزات خود نشان دادند؛

(۴) - مبارزه با پاسیویسم در درک متحجرانه و پاسیو بروز انقلاب صرفاً در کشورهای پیشرفته سرمایه داری به بهانه ی نظر مارکس و انگلس بودن، درحالی که با گذار نظام سرمایه داری از مرحله ی رقابت آزاد به مرحله ی رقابت انحصارات، به وجود آمدن رشد ناموزن نظام سرمایه داری و حلقه های ضعیف زنجیر اسارت امپریالیستی، امکان پیروزی انقلابات تحت رهبری حزب کمونیست طبقه کارگر و بسیج توده های وسیع زحمت کش در دیگر کشورها فراهم شده است در تحلیل مشخص از شرایط مشخص آن زمان روسیه بود که پیروزی عظیمی برای جنبش جهانی طبقه کارگر به همراه داشت.

(۵) - مبارزه با نظرات انحرافی رویونیستی در قالب فرمیستی، اکونومیستی، شوونیستی، اپورتونیستی راست و چپ، انحلال طلبانه ی فرقه گرائی و شیوه تفکر سوژکتیویستی، لیبرالیستی، سکناریستی و دگماتیستی در برابر "کارگران همه کشورهای جهان متحد شوید!"، "کارگران و ملل ستمدیده کشورها متحد شوید!" توسط احزاب سوسیال دموکرات با شیوه تفکر خرده بورژوائی و بورژوائی قرارگرفتند، و میدان جدید مبارزات نظری را در دفاع قاطع علیه انحرافات ضدپرولتری بدون مماشات گشود؛

(۶) - پیوند فشرده حزب کمونیست را در هر کشور با طبقه کارگر و توده های وسیع مردم از طریق شرکت در مبارزات کارگری و توده ای و "آموزش از توده ها و آموزش به توده ها" به مثابه پیوند "ماهی در آب اقیانوسها" و بی هراس از مرگ و از زندان چنان نیروی محکم و استوار و پیگیری را به وجود آورد که انقلاب پرولتری را به پیروزی و کسب قدرت قهرآمیز رهنمون شد و نه تبدیل شدن به ارباب آن!؛

(۷) - پیروزی این انقلاب شکاف مهمی را در جهان علیرغم حاکمیت امپریالیسم جهانخواه ایجاد نمود که نه تنها در کشور شوراها نظام سوسیالیستی را تحت دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا، دموکراسی شورائی،

کنترل کارگری، کمک تعیین کننده ای به ایجاد انترناسیونال کمونیستی اول (۱۹۱۹) با شرکت احزاب کمونیست فراهم نمود و شوروی به پایگاه انقلابی کارگری جهان تبدیل شد؛

(۸) - با طرح اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان را در هدایت انقلاب بورژوا - دموکراتیک تحت رهبری طبقه کارگرجهت به پایان رساندن وظایف دموکراتیک مرحله ی این انقلاب، گذار به انقلاب سوسیالیستی را به انجام برساند؛

(۹) - مبارزه با خرابکاری خرده بورژوائی و بورژوائی داخلی و مداخلات کشورهای امپریالیستی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اکبر در به شکست کشاندن ادامه انقلاب کارگری پیروز و ساختمان سوسیالیسم شدت گرفت. وقتی که این نیروهای ارتجاعی در مخالفتهای آشکار ناکام ماندند، سیاست محیلانه و خطرناک "فتح دژ دولت سوسیالیستی و احزاب کمونیست از درون" را شروع کردند که اخلاص تروتسکیسم در دو دهه های اول و دوم پس از انقلاب اکبر صدمات شدیدی به پیشروی انقلاب زد که مقدمه ی این ضدیت تخریب سوسیالیسم بود؛

(۱۰) - ناشی از شناخت عمیق از طبقات و مبارزات طبقاتی، اتخاذ سیاست و تاکتیکهای ماتریالیستی - دیالکتیکی هوشمندانه و انعطاف پذیر و بدون سازشکاری هنر بزرگ لنین در پیروزی انقلاب اکبر بود که مانو تسه دون نیز با بیان اینکه "سیاست و تاکتیک حیات حزب است، رفقای رهبری در درجات مختلف باید بدان توجه فراوان مبذول دارند و در اجرای آن نباید به هیچ وجه اعمال بی مبالاتی از خود نشان دهند" انعکاس حرکت پیروز جنبش کارگری در روسیه تحت رهبری لنین کبیر نیز بود که مورد تایید این استراتژ بزرگ پرولتری قرارگرفت که دومین انقلاب بزرگ کارگری دمکراتیک نوین را (در اکتبر ۱۹۴۹) در چین به ثمر رساند؛

(۱۱) - آموزشهای فراوانی از پیشروها و عقب نشینیها در جریان تحقق اهداف انقلاب اکبر و بعد از برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، و کنترل کارگری و غیره ارزشمندند که در این محدوده مجال نیست. مع الوصف امروز قبل و بعد از انقلاب اکثریاتی شد که بدون مبارزه با رویونیسم در مراحل مختلف کهن، مدرن و پست مدرن که در حمله به کمونیسم علمی تبلور یافته اند و از جمله بدون مبارزه قاطع با فرقه گرائی خرده بورژوائی و از جمله در دوره کنونی ایجاد چندین "حزب کمونیست در یک کشور"،

پیش نبرد مبارزه ایدئولوژیکی اصولی با نظرات انحرافی براساس تصمیمات متکی بر مرکزیت - دموکراتیک در طرد این یا آن دیدگاه انحرافی، و یا در مورد کم رنگ نشان دادن نقش طبقه کارگردر انقلاب سوسیالیستی و ادامه انقلاب تا به آخر با توجیه رشد وسایل تولید پیشرفته و از دور خارج شدن بیشتر نقش مولد نیروهای کارگر ضروری است. و بالاخره یافتن پیوند فشرده با مبارزات کارگری و توده ای و تهیه ی مانیفست حزب کمونیست امروزی در مبارزه با التقاط گریهای ضدپرولتری به روز کردن کمونیسم علمی وفاداری به تداوم انقلاب اکبر است.

از آموزشهای انقلاب کبیر اکبر بیاموزیم از مبارزات و پیروزیهای بعد از انقلاب اکبر در جهان امروز و شکستها جمع بندی کنیم

زنده باد اتحاد کارگران کشورهای جهان و انترناسیونالیسم پرولتری

پیش به سوی ایجاد احزاب کمونیست در پرتو کمونیسم علمی در هر کشور

حزب رنجبران ایران
اول ماه مه ۲۰۱۷



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضای وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر وتوده ها

به یاد همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم



آموزه هائی ... بقیه از صفحه اول

های جاری در انترناسیونال دوم، خوانائی نداشتند. بطور مثال، لنین و بوخارین بیش از هابسن و هیلفردینگ در تحلیل های خود از بروز مرحله سرمایه داری انحصاری (امپریالیسم) روی این امر تاکید ورزیدند که وقوع جنگ امپریالیستی ۱۹۱۸-۱۹۱۴ بین کشورهای مسلط مرکز سرمایه داری بر سر تاراج و تقسیم کشورهای در بند پیرامونی و نیمه پیرامونی «مشرق زمین» شرایط وقوع انقلاب در آن کشورها را نه تنها ضروری و حتمی بلکه ممکن و حتی محتمل ساخته است.

- تمام اسناد و آثار منتخبی که از لنین و بوخارین و دیگر بلشویک های طرفدار آنها امروز در دسترس ماست، نشان می دهند که به عقیده آنها سرمایه داری تاریخی همیشه در حرکت جهانی گرائی (گلوبالیزاسیون) خود روی خط تاراج و چپاول و لاجرم ایجاد قطب سازی (پولاریزاسیون) بین مرکزهای مسلط «مغرب زمین» (به واژه کنونی شمال) و کشورهای در بند پیرامونی و نیمه پیرامونی مشرق زمین (به واژه کنونی جنوب)، بودند.

- براساس این دیدگاه جهانشمول وقتی که سه سال بعد از پیروزی انقلاب اکتبر لنین و یارانش متوجه شدند که جنبش های کارگری در اروپای مغرب زمین بویژه در آلمان با شکست روبرو گشتند، بیش از پیش به این حقیقت پی بردند که پولاریزاسیون منبعث از عروج دوره سرمایه داری انحصاری (امپریالیسم) و نتیجتاً تاراج و استثمار کشورهای مشرق زمین در شکست جنبش های انقلابی کارگری در مغرب زمین نقش اساسی داشته و از سوی دیگر شرایط را برای جا به جایی (شیفت) پایگاه های انقلاب از غرب توسعه یافته و صنعتی به شرق توسعه نیافته غیر صنعتی مهیا ساخته است. - در پرتو این دانش از اوضاع جهان، لنین و یارانش در ببحوجه دوره «کمونیسم جنگی» در کشور شوراهای (۱۹۲۱ - ۱۹۱۷) به این نتیجه رسیدند که انقلاب سوسیالیستی زمانی به پیروزی می رسد که آنها از یک سو دست به انقلاب دهقانی در شوروی جوان زده و از سوی دیگر به حمایت و اعلام همبستگی با امواج خروشان جنبش های رهائی بخش در کشورهای مشرق زمین، برخیزند. این سیاست دوله (مصلحه در بازار در جهت پذیرش مالکیت دهقانان بر زمین های کشاورزی به موازات تجدید تجارت نه تنها با کشورهای توسعه

یافته اروپا بلکه با کشورهای مشرق زمین (آسیا) از طریق برنامه «نپ» (سیاست نوین اقتصادی) در سال ۱۹۲۱ پیاده شد. تضعیف - علیرغم این مصالحه دوله بلشویک ها آگاه به این امر نیز بودند که قدرت های امپریالیستی هرگز انقلاب و حتی سیاست نپ را نیز پذیرا نخواهند گشت. تاریخ دوره های بین دو جنگ (۱۹۳۹ - ۱۹۱۸) و جنگ سرد (۱۹۹۰ - ۱۹۴۷) حقانیت و درستی این آگاهی را نشان داد که امپریالیست ها هرگز از اندیشه و آرزوی سرنگونی کشور شوراهای دست برنخواهند داشت. این درست است که اتحاد جماهیر شوروی علیرغم آرمان و خواست و تقلا بلشویک ها در آن دوران نتوانست در مقابل نظام سرمایه داری انحصاری (امپریالیسم) به یک بدیل تاریخی، تبدیل گردد و بالاخره پس از حاکمیت رویزیونیستهای مدرن در قدرت از ۱۹۵۶ در آغاز دهه ۱۹۹۰ شوروی با فروپاشی و تجزیه روبرو گشت. ولی شوروی در آن دوران ۱۹۱۷-۱۹۵۶ توانست به طور موثری خود را از یوغ وابستگی به نظام جهانی سرمایه نجات داده و برای اولین بار در تاریخ سرمایه داری به عنوان یک چالشگر ضد نظام (به موازات حمایت بی دریغ از جنبش های رهائی بخش ملی در سه قاره) در صحنه بین المللی، مطرح گردد.

- به هر رو در آن دوران که شوروی جوان موفق به گسست از محور نظام جهانی گشت چگونه می توانست به بقای خود ادامه داده و مسیر راه را برای استقرار سوسیالیسم میسر سازد؟ تلاش در جهت گسترش همزیستی مسالمت آمیز و حتی دادن امتیاز به کشورهای مغرب زمین در صورت لزوم، در طول دهه ۱۹۲۰ یکی از ارکان های سیاست خارجی شوروی (نپ) را تشکیل داد. اما در عین حال رهبران شوروی به ضرورت این امر که باید خود را در مقابل تهاجم و حملات امپریالیست ها در آینده آماده سازند، کاملاً واقف بودند. لازمه آمادگی تسلیحاتی همانا صنعتی سازی سریع کشور شوراهای بود. حرکت در آن جهت به نوبه خود شوروی جوان را در تلاقی با منافع دهقانان که به شکرانه انقلاب در نیمه اول دهه ۱۹۲۰ صاحب زمین شده بودند، انداخت. رهبران دولت شوروی کاملاً بر این امر واقف بودند که تلاقی و تضاد با دهقانان به تضعیف و نابودی وحدت بین کارگران و دهقانان که پایگاه اساسی دولت انقلابی محسوب می شد، منجر خواهدگشت. به هر حال بعد از مدتها مشورت و بررسی استالین

آموزه های تاریخی از انقلاب ۱۹۴۹

چین

- انقلاب چین سی و دو سال بعد از انقلاب بلشویکی روسیه به وقوع پیوست. مائو، چوئن لای، چوئه و... درس های زیاد و گرانبهائی چه در زمینه های دستاوردها و چه در زمینه های کمبودها و محدودیت ها از انقلاب اکتبر روسیه و رهبران آن بویژه از لنین (و بوخارین)، آموخته بودند که استفاده از آنها در پیروزی انقلاب چین سهم و نقش بزرگ داشت. انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در کشوری به وقوع پیوست که در «حلقه ضعیف» امپریالیسم در بخش نیمه پیرامونی نظام سرمایه داری قرار

زنده باد انقلاب کبیر اکتبر



داشت. ولی انقلاب ۱۹۴۹ چین در کشوری به وقوع پیوست که در « مناطق توفانی» نظام جهانی (در بخش در بند پیرامونی = مشرق زمین نظام جهانی) ، قرار داشت. دقیقاً به خاطر نیمه پیرامونی بودن روسیه و پیرامونی بودن چین رهبران انقلاب روسیه و چین با چالش ها و مسائل مشترک و همگونی روبرو گشتند که هنوز هم چالشگران ضد نظام جهانی سرمایه با آنها روبرو هستند. تعدادی از این معضلات عبارتند از :

۱- وقوع انقلاب پیروزمند نه در کشوری سرمایه داری توسعه یافته صنعتی بلکه در کشوری نیمه پیرامونی روسیه و سپس در کشور پیرامونی چین ،
۲- ضرورت شرکت وسیع دهقانان در این دگرذیسی انقلابی .
۳- دشمنی و تهاجم نیروهای امپریالیستی کشورهای مسلط مرکز نظام علیه این انقلابات

مانو با درس آموزی از دستاوردها و کمبودهای انقلاب اکتبر قادر گشت که به روشنی تشخیص دهد که انقلاب در کشور توسعه نیافته پیرامونی مثل چین یک انقلاب ضد امپریالیستی و دهقان محور (ضد فئودالی) برهبری طبقه کارگر است. انقلاب چین طبق نوشته های مانو یک انقلاب نه « بورژوا - دموکراتیک » بلکه دموکراتیک توده ای بود. بر این اساس تعبیه و تنظیم ادامه و تامین اتحاد استراتژیکی بین کارگران و دهقانان برای باروری انقلاب سوسیالیستی در آینده نه تنها ممکن بلکه لازم و ضروری است. این تفاوت بطور قابل ملاحظه ای هنوز هم مهم است. رهبران چین اهمیت این امر را بخوبی درک کردند که ادامه اتحاد بین کارگران و دهقانان برای مدتهای مدید بعد از پیروزی انقلاب ضروری خواهد بود. به این علت چین قادر گشت که از اشتباه کشور شوراهای پرهیز کرده و به عوض ایجاد کولخوزها و سوخوزها راه و روش دیگری را انتخاب بکند: تبدیل کلیه اراضی و مزارع کشاورزی از مالکیت خصوصی و گروهی به مالکیت کمونی و دادن حق دسترسی برابر به تمام دهقانان در کشت و زرع اراضی با تشکیل خانوارهای کشاورزی.

نتیجه اینکه

- ما با درس آموزی از آموزه های غنی و مثبت مارکسیسم تاریخی از یک سو و از اشتباهات و کمبودهای آن از سوی دیگر می توانیم در دگرذیسی کیفی جهان نقش ارزنده تر و موثری ایفاء کنیم. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا حدی و انقلاب ۱۹۴۹ چین به نحو بارزتر

و روشنتری به ما آموختند که برخلاف دانش و انگاشت اکثر رهبران انترناسیونال دوم پدیده سرمایه داری از آغاز شکلگیری و رشدش یک نظام متمایل به جهانی گرایی (گلوبالیزاسیون) بوده و مارکسیست ها باید پی آمدهای این تمایل را مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار دهند: تمایلی که از آغازش قرن ۲۰ ما را از طریق پولاریزاسیون عمودی و افقی به کشورهای در بند پیرامونی و کشورهای مسلط مرکز تقسیم کرده و امروز این پیامد گلوبالیزاسیون (یعنی پولاریزاسیون) در سرتاسر کره خاکی به حد اشباع رسیده است.

- لنین و یارانش و سپس مانو و تعداد دیگر از مارکسیست های آسیا نه تنها حرکت سرمایه در سطح جهانی را به نحو منسجم و دقیقی مورد بررسی قرار دادند بلکه بطور بارزی به تحلیل این امر پرداختند که امپریالیسم منبعث از این حرکت جهانی سرمایه بویژه در عصر سرمایه داری انحصاری جهان ما را به دو بخش مکمل و لازم و ملزوم هم (پیرامونی در بند و مسلط مرکز) تقسیم کرده است. - توضیح اینکه توسعه یافتگی پیشرفت و انباشت ثروت و سرمایه در کشورهای مسلط مرکز نظام (امپریالیسم سه سره = کشورهای جی ۷) وابستگی ارگانیک و لازم و ملزوم با توسعه نیافتگی و عقب ماندگی کشورهای پیرامونی در بند (منبعث از تاراج منابع طبیعی و اعمال سیاست های ابر استثماری بر نیروهای کار و زحمت آن کشورها) از سوی امپریالیسم جهانی دارند. با تضعیف و نابودی یک بخش عمر آن دیگری نیز به پایان خود می رسد. - در بخش دوم این نوشتار به بررسی و تحلیل دیگر آموزه های تاریخی از دو انقلاب بزرگ در عصر امپریالیسم خواهیم پرداخت.

ن.ناظمی

مهرماه ۱۳۹۶

منابع و مأخذ

۱- جفری رابرتس ، « جنگ های استالین : از جنگ جهانی تا جنگ سرد ، ۱۹۳۹ - ۱۹۵۳ » ، از انتشارات دانشگاه ییل ، ۲۰۰۷ .
۲- درباره انگاشت و درک یورو سنتریکی اکثر اعضای انترناسیونال دوم در باره مسئله ارضی و نقش دهقانان در انقلاب ، رجوع کنید به : کارل کاتوتسکی ، « مسئله دهقانی » ، در دو جلد از انتشارات پلوتو در لندن ، ۱۹۸۸ .
۳- درباره انگاشت و درک مانو و دیگر مائونیست ها درباره مسئله ارضی و نقش تعیین کننده دهقانان در پیروزی انقلاب ، رجوع کنید به : سمیرامین ، « چین در ۲۰۱۳ » ، در مجله «مانتلی ریویو » ، سال ۶۴ ، شماره ۱۰ ، مارس ۲۰۱۳ و « امپریالیسم معاصر و مسئله ارضی - دهقانی » ، در مجله « ژورنال

اقتصاد سیاسی» شماره ۱ ، آوریل ۲۰۱۲ .
۴- «مصاحبه با سمیرامین درباره «چشم انداز سوسیالیستی در قرن بیست و یکم» ، در مجله «فرزندان ملوکوم» ، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۵



محمد جراحی ... بقیه از صفحه اول

بدون مداوا در زندانها می شوند که پس از اتمام دوران محکومیتشان در صورت آزاد شدن در اثر این امراض جان می بازند که محمد جراحی این کارگر مبارز کمونیست پس از آزادی از زندان با بستری شدن در بیمارستان در ۱۳ مهر امسال درگذشت، از آن جمله است
در دفاع از آزادی بدون قید و شرط کلیه ی زندانیان سیاسی و به ویژه کارگران، معلمان، زنان، ودانشجویان فعالیتهای متعددی در کشورهای مختلف جهان از جمله برای آزادی کارگران زندانی اخیر درحال اعتصاب غذا صورت گرفت. بعد از ۵۰ روز اعتصاب غذای رضا شهابی که همراه با ۲۰ کارگر دیگر آغاز شده بود، فتنه گران رژیم مجبور به ملاقات با او جهت رسیدگی به آزادی اش شدند. در آن دیدار، این کذابان تاریخ، قولهای بی پایه دادند ولی رضا به دلیل شناخت ماهیت دودوزه باز ماموران حاکمان، ضمن شکستن اعتصاب غذا تاکید نمود که اگر به خواسته هایم رسیدگی نشود مجددا دست به اعتصاب غذا خواهم زد. طبق آخرین خبرها در چند روز اخیر اقدامی به آزادی وی صورت نگرفته است.

با توجه به این ظلم و ستمی که به کارگران و زحمت کشان بی وقفه صورت می گیرد و با توجه به این که خواست دفاع از این استنمارشونده گان و ستم دیده گان تفاوت هزار گونه نداشته و نیاز به صدای واحد اعتراضی هست، چقدر دوران درک مادی واحد از حرکت متحد و یکپارچه توسط نیروهای کمونیست می باشد که این حرکت به صورت جداگانه اینجا و آنجا پیش برده می شود که مغایر با دفاع از حقوق حقه ی کارگران و زحمت کشان می باشد.

اگر احترام به عملکرد جانباخته ای نظیر شاهرخ زمانی باشد، کافی است ببینیم که در زندان علیرغم امکانات ناچیز در ارسال نظراتش به بیرون ، نوشته هائی را با امضاء خود همراه با محمد جراحی، رضا شهابی و

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



ضرورت مبارزه با سرکوبهای طبقاتی گسترش یافته

علاوه بر استثمار و ستم بیش از ۲۰ میلیون شاغلین تولیدی، خدماتی و فکری کارگر و زحمت کش، دو بخش از توده های مردم که شامل زنان تحت سرکوب ناشی از سلطه ی مردسالاری و مذهب می باشند و بیش از ۱۵ میلیون از کودکان درحال تحصیل و بیش از ۲ میلیون کودکان کار در نظام سرمایه داری حاکم در ایران محروم از تحصیل، با خشن ترین برخوردی روبه رو هستند که زنده گی این دو بخش از جامعه ی ایران با فجایعی روبه رو می شوند که بربریت های تاریخی تا بدین حد صورت نگرفته بودند.

درمورد دانش آموزان:

امسال بیش از ۱۷ میلیون درسین تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷، ۱۳ میلیون در دبستان و دبیرستانها شروع به تحصیل کردند. اینان به مدرسی می روند که حداقل ۲۰٪ این مدارس در وضعیتی کلنگی قرار دارند یا از امنیت ساختمانی برخوردار نیستند، از امنیت گرم کردن کلاسهای درس با بخاریهای نفتی نمی توان سخن گفت، امنیت برای تدریس معلمان و بیان آزاد نظرانشان وجود ندارد، لوازم نوشت افزار و کتابهای درسی مجانی در اختیار کودکان قرار نمی گیرند، محیط خفقانی مدارس درمداخله ی مذهب، شادی بخش و جذاب نبودن تربیت متعالی کودکان، ازتحصیل مجانی که به عهده ی نظام آموزش و پرورش ایران باید باشد، خبری نیست. ولی این مدارس به بازداشتگاههای رژیم جمهوری اسلامی مبدل شده اند.

درشرایطی که مزد کارگران را به پائین تر از ۴ برابر حداقل زنده گی رسانده اند، خانواده های دانش آموزان که متعلق به کارگران و زحمت کشان هستند، عمدتاً قادر به تامین مخارج مدارس کودکان نبوده و اوضاع به حدی بحرانی است که حتا فعالان صنفی فروش پوشاک و لوازم افزار دانش آموزان از جمله موسی فرزانیان دبیراتحادیه فروشنده گان نوشت ابزار به ایلنا - خبرگزاری کارایران درتهران - فروش کم تر ۳۰-۳۵٪ را نسبت به سال قبل داشته اند و درعین حال رئیس اتحادیه کتابفروشان، لوازم تحریر و لوازم مهندسی استان مرکزی از افزایش حداقل ۱۳ درصدی قیمت نوشت افزار خبر داده که به قول معروف "سنگ را بسته و سگان را برای حمله آزاد گذاشته اند". حداقل هزینه خرید لوازم تحریر برای یک دانش آموز در سال تحصیلی ۹۶-

بارزانی درآمده بود تیرباران شد. و درجریان شرکت رفقای از سازمان انقلابی به منطقه سلیمانیه با کمک نیروهای پیشمرگ جلال طالبانی که متاسفانه چند نفر در منطقه ای که نیروهای بارزانی کمین گذاری کرده بودند به خاطر حفظ رفقای ما جان باختند. مام جلال یکی از دوستان حزب ما بود و از پذیرش نیروهای چپ ایران نیز در کردستان عراق در شرایط سرکوب احزاب و سازمانهای چپ توسط رژیم اسلامی در ایران در دهه ۱۳۶۰ هجری از حمایت این نیروها دریغ نکرد که بسیار با ارزش بود. امید حزب ما برآن بود که دوستی استواری بین مبارزان کرد عراق با جنبش کارگری ایران در ادامه همکاری بوجود بیوریم.

در عین حال حزب ما درجریان سازماندهی حمله وسیع نیروهای اتحادیه میهنی به ارتش ارتجاعی صدام حسین که موقتا امکان ورود سپاه پاسداران به کردستان عراق برای جنگ با ارتش عراق را فراهم نمود، تأیید نکرد. پس ازحمله آمریکا به عراق و بوجودآوردن جبهه ای با نیروهای ارتجاعی در تشکیل دولت جدید عراق مسیر دیگر غیر دموکراتیکی دراین کشور طی شد که مورد مخالفت صریح ما و توضیح آن به مام جلال بود. ولی حزب رنجبران ایران از قیام نیروهای پیشمرگ در بیرون راندن نیروهای رژیم بعثی عراق از کردستان عراق در ۱۹۹۰ حمایت و آنرا به اتحادیه میهنی تیریک گفت با تمام این احوال او سعی کرد که درکنار مردم کرد به عنوان یک روشنفکر مبارز و آزادیخواه در دفاع از خواست حق تعیین سرنوشت خلق کرد طی مبارزه ای طولانی درکردستان عراق پایدارباقی بماند. دراین راستا علیرغم اختلافاتی که با نیروهای قبیله ای و بورژوازی کردستان عراق داشت همکاری اش را با این نیروها ادامه داد و نتوانست نقش تعیین کننده ای در کسب حق تعیین سرنوشت کارگران و زحمت کشان و طرد نیروهای ارتجاعی کرد داشته باشد. یادش گرامی باد.

ما درگذشت مام جلال را به خانواده، اتحادیه میهنی کردستان عراق و سایرهمکاران و دوستداران او تسلیت می گوئیم.

حزب رنجبران ایران

۵ اکتبر ۲۰۱۷

۲۰۱۷/۱۰/۴

دیگر زندانیان تهیه کرده و فردگرائی را به کار نمی گرفت. بنابراین اگر نیروهای ادعای کمونیست بودن و احترام گذاشتن به کارگران مبارز کمونیست داشته باشند، در این است که فرقه گرائی را با نفرت بیرون انداخته و در خدمت به امر انقلاب کارگری در هرکجا که باشند متحد و یک صدا عمل کنند تا نشان دهند که به دیدگاه کمونیستی وفادارند.

حزب رنجبران ایران درگذشت محمدجراحی را به کارگران مبارز ایران، خانواده محمد تسلیت گفته و کلیه کارگران ایران را فرا می خواند، تا علیه رژیم جمهوری اسلامی به مثابه بزرگترین دشمن طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و عاملین کشتار و فقر و فاقه خانواده های کارگری متحد و یکپارچه شوند تا با ازبین بردن این دستگاه ظالم فاسد و دزد ثمره نیروی کار و قاتل باز شناخته، تا جهان سوسیالیستی فارغ از ازخود بیگانگی و رسیدن به آزادی، بهروزی و عدالت اجتماعی را متحقق سازند.

گرامی باد یاد کارگران مبارز جانباخته ایران آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی متشکل شدن کارگران و زحمت کشان در سطوح مختلف واحد مطالباتی و سیاسی کارگران متشکل همه چیز و کارگران غیر متشکل هیچ هستند

زنده باد آزادی و رفاه در سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

۱۵ مهر ۱۳۹۶

۷ اکتبر ۲۰۱۷



درگذشت جلال طالبانی..
بقیه از صفحه اول

کمونیست در ایران و عراق، کمک به ایجاد کومه له رنجبران کردستان عراق، افشای رابطه نیروهای ملامصطفی بارزانی با دولت اسرائیل از جمله خدماتی بود که ضمن پایدارماندن در رهبری جنبش دموکراتیک کردستان عراق از او رهبری با تجربه و در عرصه ی تاکتیکی شناخته شد. سازمان انقلابی تشکیل دهنده ی حزب رنجبران با کمک بی شائبه مام جلال با جنبش کردستان ایران با مبارزه مسلحانه ی ملاآواره، شریف زاده، معینی ها پیوند برقرار نموده و در همان سالها نیز با شرکت در مبارزه مسلحانه ی علیه نیروهای بارزانی در منطقه ی هاوکاری، رفیق دستگیر شده ما (بشیرخسروی) به محاصره ی نیروهای





چند نفر از همکاران ما مورد ضرب و شتم ماموران شهرداری قرار گرفتند.

در همین نظام سرکوبگر در بخش دزدیهای اعوان و انصار حاکمان وضع دیگری جریان دارد که به مثابه "مشت نمونه خروار" می بینیم: عیسی شریفی قائم مقام محمدباقر قالیباف در شهرداری تهران، به اتهام فساد گسترده مالی، اختلاس، تحصیل مال نامشروع و ارتشاء بازداشت شده است.

به گزارش «آمدنیوز»، سازمان اطلاعات سپاه (ساس) با اطلاع از فساد مالی گستردهی این مدیر ارشد شهرداری تهران و برای جلوگیری از بازداشت وی توسط وزارت اطلاعات، از هفتهی گذشته عیسی شریفی را بازداشت کرده است.

گفته شده، این سازمان امنیتی قصد دارد روند پرونده را طوری طراحی کند که به «محمدباقر قالیباف» شهردار پیشین تهران آسیبی وارد نشود. از سوی دیگر این سازمان امنیتی قصد دارد فسادهای گستردهی قالیباف در شهرداری تهران را به عنوان «امتیاز» در دست خود نگه دارد تا قالیباف در مناصب دیگر خود نتواند از اجرای اوامر این سازمان، سر باز زند.

باتوجه به مطالبی که آمد رژیم جمهوری اسلامی خدمتگزار سرمایه علاوه بر استثمار و ستم شدید نیروهای کار یدی و فکری، به طرز وحشیانه ای کودکان پسر و دختر را قبل از پا گذاشتن به سن بلوغ ۱۸ ساله به عنوان نیروی کار، عدم فراهم نمودن آموزش و پرورش مجانی، تحمیل لباس تحصیلی و لوازم مورد نیاز در مدرسه که نیمی از مزد ماهانه ی شروع سال تحصیلی ۵ برابر زیر خط حداقل، شستشوی مغزی دانش

پاکستانی بود. وی افزود: از بین این کودکان ۴۱ درصد مطلقاً بیسواد بودند، ۵۲ درصد داخل مراکز تفکیک زباله زندگی می کردند و سطح بهداشت آنها به شدت پایین بود.

وی افزود: دو مسیر اصلی برای کار این کودکان وجود دارد، نخست پیمانکار شهرداری است که مستقیماً این کودکان را استخدام می کند و برایشان کارت صادر می کند و مسیر دوم افرادی هستند از خود ماموران شهرداری که این کودکان را استثمار می کنند و پولی از آنها می گیرند تا بتوانند در منطقه کار کنند. مازیار فر با بیان اینکه مزیت این کارت ها این است که کودکان زباله گرد را دیگر کتک نمی زنند و زباله هایشان را به زور نمی گیرند، ادامه داد: باید به زباله به چشم کالای گرانقیمت نگاه کرد. یک کودک به طور متوسط ۶۰ کیلوگرم زباله در طول روز جمع آوری می کند که بار بسیار سنگینی است. نماینده جمعیت امام علی با بیان اینکه وقتی پیمانکار مناقصه را برنده می شود با کارگاه های تفکیک زباله وارد مذاکره می شود گفت: مسئول کارگاه ها باید ۸۰۰ هزار تومان بابت هر کودک به پیمانکار بدهند تا اجازه پیدا کنند زباله های منطقه را تفکیک کنند. وی افزود: میانگین حداکثر زمان زباله گردی ۲۰ ساعت و میانگین آن ۱۰،۵ ساعت است. ۶۲ درصد این کودکان هرگز از دستکش استفاده نمی کنند و آیدز، هپاتیت، کزاز، حبصه، سالک پوستی، انگل های روده ای، اسهال خونی، فلج اطفال، زانو درد و کمردرد از جمله بیماری هایی است که کودکان زباله گرد را هدف قرار می دهد. با وجود همه مشکلات هیچ نهاد ناظر و مسئولی وجود ندارد و مواردی داشتیم که

۹۷ حدود ۳۲۰ هزار تومان است. خانواده ها باید علاوه بر نوشت افزار، مبلغی نیز برای خرید لباس فرم مدرسه بپردازند. رئیس اتحادیه خیاطان تهران قیمت تمام شده دوخت لباس مدرسه را ۷۰ هزار تومان اعلام کرده و گفته است که بعضی از مدارس ۲۰۰ هزار تومان بابت لباس فرم از خانواده ها دریافت می کنند. براساس این ارقام هزینه خانوارها برای یک دانش آموز بدون هزینه ثبت نام و کتاب های آموزشی، حدود ۴۰۰ هزار تومان برآورد می شود که نزدیک به نیمی از حداقل مزد ماهانه امسال است. علی باقرزاده رئیس سازمان نهضت سوادآموزی «مشکلات خانوادگی» را عامل ترک تحصیل ۵۳ درصد کودکان بازمانده از تحصیل اعلام کرده است.

نتیجه ی این سیاست ضد آموزشی نظام جمهوری اسلامی کودکان دانش آموز به نظام کودکان کار خیابانها و غیره تبدیل شده اند و با شروع سال تحصیلی: بیش از ۳۰۰ کودک کار فقط در خیابان های تهران اخیراً بازداشت شده اند. در تهران طرحی به نام جمع آوری کودکان کار به اجرا در آمده. طرحی جنجالی، با کمک شهرداری تهران، بهزیستی و فرمانداری بر اساس بعضی از آمارها حدود دو میلیون کودک کار در ایران زندگی می کنند. مقام های مسئول تعداد بچه های مشغول به کار را کمتر، اما فعالان حقوق کودکان تعدادشان را بیشتر از دو میلیون می دانند. (۲۰۱۷/۸/۱۸)

ناظری رئیس هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در رابطه با اجرای طرح کودکان کار و خیابان به آماری در این زمینه اشاره کرد و گفت: «طرح جمع آوری کودکان تا امروز موفق نبوده است، چرا که با وجود ۳۰ بار اجرای این طرح طی ۳۵ سال گذشته، کودکان بارها و بارها به خیابان ها بازگشته اند» ۱۳۹۶/۹/۲۹.

شناسایی ۶۸۰ کودک زباله گرد / ۴۰ درصد این کودکان نان آور خانواده هستند اولین نشست کارگروه بررسی وضعیت زباله گردی کودکان تشکیل شد و طی آن نمایندگان دستگاه های ذیربط به بیان مشکلات ناشی از کار این گروه از کودکان پرداختند. به گزارش ایسنا، مازیار فر، عضو جمعیت امداد دانشجویی امام علی در اولین نشست کارگروه بررسی وضعیت زباله گردی کودکان با اشاره به نتایج پژوهشی که در ۱۰ استان کشور انجام شد، گفت: در این پژوهش همزمان ۶۸۵ کودک شناسایی شدند که بیشتر ملیت آنها ایرانی، افغانستانی و





اوین خصوصاً بند ویژه روحانیت پیچیده و در بهداری زندان اوین هم انگشت‌نما شده بود.

او يك نمونه از انبوه کسانی است که نتیجه فعالیت‌شان در سال‌های اخیر، قربانی شدن دختران جوان ایرانی بوده است. هفته گذشته چند دختر ایرانی که در دبی مشغول به کارگری جنسی هستند، سولاتی در مورد راه‌های برگشت به ایران و نحوه برخورد قضایی و نوع جرم و مجازات احتمالی آنها مطرح کرده بودند، از جمله اینکه پرسیده بودند "نیروی انتظامی و سپاه با قوادان و قاچاقچیان هم‌دست هستند و رشوه می‌گیرند. حتی چند بار چند نفر از ما دستگیر شدیم و باید به بسیجی‌ها سرویس مجانی می‌دادیم تا آزاد شویم. کجا به داد ما می‌رسد؟"

واقعیت این است که قاچاق زنان به منظور دانه کردن مراکز فساد و فحشاء که همان قیادت و قوادی به شکل سازمان یافته است... قاچاقچیان تنها از بازار جهانی فحشاء سالانه حدود هفت میلیارد دلار سود کسب می‌کنند و درآمد دلان قاچاق زنان از هر روسپی ماهانه بالغ بر چهل هزار دلار آمریکا برآورد شده است. بر اساس برخی اظهارات، قاچاق زنان پس از قاچاق مواد مخدر مقام دوم را در سوئدهی به خود اختصاص می‌دهد. ایران هم، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، از گزند این خطر در امان نیست. نمونه روشن این خطر، دستگیری اعضای باند قاچاق دختران ایرانی به کشورهای عربی، برملا شدن راز تشکیل «خانه هدایت» در کرج و تهران در زمستان سال ۱۳۷۹ و نیز دستگیری باند بزرگ «خاله کرده» در قم در اواخر سال ۱۳۹۰ است که به قاچاق زنان و دختران در داخل و خارج از کشور مشغول بودند... از طریق گردآوری در یک مکان یا جابجایی با اتومبیل یا از طریق تلفن یا اینترنت و دادن آدرس، مرد به زن یا برعکس آنها را به یکدیگر معرفی کنند. برخی از زنان ایرانی توسط تورهای مسافرتی به مسافرت رایگان برده می‌شوند و مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. در واقع دامنه جرم قوادی با به کارگیری انواع وسایل و عناصر مختلف به سادگی توسعه یافته است، به طور مثال در آرایشگاه‌ها، ویدیوکلپ‌ها، اطراف سفارت‌خانه‌های خارجی، جلوی مدارس و پارک‌ها، قوادان در کمین هستند تا به فریب و اغفال زنان و دختران جوان بپردازند... بازار قوادی و دانه کردن مراکز فساد و فحشاء گرم و پر رونق است چرا که به نظر می‌رسد ضابطین دادگستری چشم

کارگران و زحمت‌کشانشان تبدیل به نیروی عظیمی خواهد شد که هیچ دولت سرکوبگر حاکمی قادر به مقاومت در برابر این نیرو نمی‌گردد.

برای نشان دادن ستمی که به زنان حتا از کودکی و نوجوانی و غیره روا می‌شود، در اندک گزارشات زیر توجه خواننده گان را جلب می‌کنیم تا خشم انقلابی این اکثریت عظیم کارگر و زحمت‌کش را در جلب این اکثریت سرکوب شده زنان صف مبارزاتی‌شان دو چندان گردد:

ردپای نهادهای امنیتی در باندهای فحشاء؛ پرونده يك روحانی قاچاقچی

ایران ویر: سال‌ها پیش در زندان، یک روز برای بیماری‌ام به بهداری زندان اوین برده شده بودم. آنجا یک روحانی را دیدم که از بند ویژه روحانیت آمده بود. مرد چاقی بود، حدود ۶۰ ساله که کارش قاچاق دختران به دبی بود. حاج‌آقا دختران را اغفال می‌کرده و تحویل باند قاچاق می‌داده است. پاس‌ها را از آنها می‌گرفتند و به کارگری جنسی و ادارشان می‌کردند. کافی بود دختران یک یا دو بار تن به خواسته‌ها می‌دادند، تهدیدها شروع می‌شد که اگر برگردید ایران اعدام می‌شوید. دستمزدهای کمی هم به آنها می‌دادند و قوادها بیشتر پول را برمی‌داشتند. مجازاتی که به این روحانی داده بودند، فقط یک حبس کوتاه مدت بود، در حالی‌که از نظر حقوقی اقدامات گسترده او در راه اندازی شبکه قاچاق دختران به کشورهای عربی از جمله دبی و دانه کردن مراکز فساد و فحشاء یا معاونت در آن‌ها، اخلال در امنیت کشور تلقی شده و با استناد به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی باید به اتهام «افساد فی الارض» با او برخورد و اعدام می‌شد.

جرائم و حبس کوتاه مدت این روحانی موجب شده بود تا آوازه او در کل زندان

آموزان به جای فراهم ساختن آموزش وسیع و همه‌جانبه علمی، کشاندن آموزگاران معترض به این گونه دخالت مذهب در آموزش و پرورش و دفاع معلمان از حقوق دانش‌آموزان و تشکیل کانونهای معلمان به زندان و شکنجه‌کشاندن می‌شوند و غیره به روشنی نشان می‌دهند که دفاع از حقوق پایمال شده‌ی دانش‌آموزان که نیروی اجتماعی آینده نیز می‌باشند جزئی از قرار داشتن اینان در وظایف مبارزه طبقاتی کارگران بوده و از این طریق چنان نقشی باید جنبش کارگری ایفا نماید که این کودکان هرچه بیشتر به صف مبارزاتی طبقه کارگر در نوجوانی و جوانی بپیوندند.

درمورد زنان:

علاوه بر ۱۰ تا ۱۵٪ نیروی کاریدی و فکری زنان شاغل، که همانند کلیه کشورهای سرمایه‌داری جهان درمقابل کار برابر با مردان در هر رشته‌ای ۱۵ تا ۲۰٪ مزد کم می‌گیرند و در شرایط حاکمیت مردسالاری و قوانین قرون وسطایی مذهبی، این زنان شاغل از امنیت لازم و ضروری در محیط کار نیز از جانب کارفرمایان برخوردار نیستند.

دختران و زنان بالاتر از ۹ سال، ۴۰ تا ۴۵٪ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند به دلیل قرار داشتن زیر خفقان و سرکوب مردسالاری و مذهب حاکم با ممنوع بودن رابطه دختر و پسر، آزادگداشتن ازدواج مردان با دختران از ۹ سال به بالا، رواج دادن فحشاء اسلامی صیغه کردن موقت زنان، به راه انداختن صدور فحشاء به خارج و یا در داخل که در زیر به آنها اشاره خواهیم کرد، طبقه کارگر بدون مبارزه برای رهائی زنان از یوغ برده‌داری، امر پیش بردن انقلاب کارگری قادر به رهائی نخواهد شد و به این اعتبار مبارزه علیه مناسبات مردسالاری و مداخلات مذهب در امور زنان اردوی مبارزه طبقاتی



کارگران جهان متحد شوید



با تکیه به نیروهای مسلح، پلیس و شکنجه گر و زندانبان، قتلگاه عظیمی به وجود آورده اند که این نظامهای ارتجاعی را باید چون روبیدن زباله ها از ساحت شایسته ی جهانیان تولید کننده و سازنده ی کشورها بیرون بریزند.

خامسا "روحانیت پرشور" مدعی از جانب شما به نیروی بی شور مانع پیشروی جهان در کلیه ی ادیان تبدیل شده اند. به طوری که از این انبیاء صاحب کتاب اعم از موسی، عیسی و محمد بین ۱۴۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش بوجود آمده، این روحانیون در سراسر جهان فرصت داشته اند تا تبلیغ کرده و نفوذ یابند. اما هم اکنون در حال از دست دادن این نفوذ می باشند و روحانیان منزوی تر از همیشه شده اند. کافی است به عملکردهای روحانیت در جهان اشاره شود: نظیر عمل کرد روحانیون یهودی اسرائیل که روی بزرگترین جنایت صهیونیستها نسبت به فلسطینیان صحه می گذارند. روحانیان مسیحی صرفنظر از گذشته جنایات عظیم آنان امروزحتا به کودکان تجاوز جنسی می کنند. روحانیان اسلامی نیز بوجود آورنده ی دزدی و جنایات بی مانند در ایران، اخوان المسلمین در مصر، بوکوحرام در آفریقا، داعش و غیره در خاورمیانه هستند که کوچک ترین احترامی را در میان توده های مردم نداشتند و از دست می دهند.

بنابراین زمره ی جامعه ی اسلامی سازی چیزی جز تشدید هرچه بیشتر تمرکز قدرت در دست "ولی فقیه" و جلوگیری سبوعانه از حرکت اعتراضی رو به اوج کارگران و زحمت کشان نمی باشد.

در تاریخ جهان هیچ اندیشه و عملی به اندازه ی دوانقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷ و ۱۹۴۹ در روسیه و چین و گذار به سوسیالیسم، بساط حاکمیت قرنهای نظام امپراتوریه درهم کوبیده نشد. دهقانان به مثابه جمعیت کثیر این دو کشور از سلطه ی فنودالها آزاد شدند. زنان از زیر قید مردسالاری که مذاهب نیز روی آن انگشت گذاشته و هنوز هم می گذارند، از اسارت مردسالاری و دین سالاری رها شدند. ملل تحت ستم دولتهای حاکم آزادگشتند. کارگران به مثابه سازنده گان اصلی - چه یدی و چه فکری - جهش بزرگی را در این کشورها پس از قرار گرفتن در سطح رهبری این کشورها متحقق ساختند. در شرایطی که ظلم و جور در کشورهای دیگر موج می زد، خطر این دو کشور رها شده فارغ از بحران به پیش تاختند. وقتی جهان بحران زده سرمایه داری

متوجه شد که این دولتهای کارگری با

این نظر با بیان این که ما دولت اسلامی نداریم، اما باید به جامعه اسلامی برسیم سخن گفت. وی ادامه داد در ایران ما تنها نظام جمهوری اسلامی درست کردیم. ولی برای رسیدن به درست کردن دولت اسلامی و جامعه اسلامی فاصله زیادی داریم. مبارزه اسلامی شدن هنوز تمام نشده است.

وی راه حلهای زیر را در تحقق این جامعه اسلامی مطرح نمود: ۱- درست کردن جامعه توحیدی و حیات بخشیدن به جامعه انبیاء؛ ۲- جواب دادن به خلاء فکری و دلزدگی از ایسمهای چپ و راست و غلط بودن سوسیالیسم که در اغلب کشورها شکست خورده و منزوی شده است؛ ۳- استفاده از فضای مجازی که حقیقی هم هست، سؤال و شبهه از ذهن خلاق متولد می شود؛ ۴- تقوا و ورع داشتن و اول روی خودمان باید کارکنیم پرهیز از گناه و خواندن نماز، تلاوت قرآن، دادن خمس و زکات و زیارت. این راه حلها جز گمراهی آفرینی و تداوم افتادن در پرتگاه چاه ویل نظام سرمایه داری نمی باشد. اگر این ولی فقیه در ایران اندکی با چشمان باز و بدون غرق بودن در ذهنیات فسیل شده به بررسی اوضاع می پرداخت، باید به این سئوالات زیر جواب می داد:

اولا مگر در این ۲۸ سال اخیر با غنودن درمسند ولایت فقیه مطلق تمام نهادهای اقتصادی و دولتی و نظامی و قضائی در دست شما نبود؟ حکم حکومتی نیز جز دستور شما به مجلس نشینان تحمیل کافی برای حرکت به سوی نظام اسلامی نبود که سرو ته آن هم معلوم نیست، چیست؟

ثانیا این قول جامعه ای تخیلی را دادن با توجه به پرونده مردود تحت ولایت فقیه، قادر به گول زدن مردم نمی تواند گردد. زیرا فرصت کافی بود که این نظام جمهوری اسلامی حتا حداقل رضایت توده های مردم را برآورده می ساخت؟

ثالثا اگر ۵۵ سال پیش آیت الله خمینی با درافتادن به مخالفت با رفرمهای شاه، توانست مهارت خاصی در گول زدن توده های مردم یافته و اندکی از روشنفکران مخالف رژیم سلطنتی را به سوی خود جلب کند، این فرصت هم اکنون از دست شما در رفته که عامل رهبری کننده ی اصلی این اوضاع نابه سامان کنونی ایران هستید.

رابعا بیش از هر زمان دیگر امروز نه تنها در ایران بلکه در جهان حداقل ۸۰ درصد مردم کارگر و زحمت کش به جان آمده از دست استثمارگران، ستمکاران، فریب کاران و غارتگران حاکم در جست و جوی رهایی از این بربریتی هستند که تنها

بر وقوع این جرائم بسته و به گفته برخی از جمله دختران ایرانی ساکن دبی، برخی از ماموران نیروی انتظامی، سپاه یا بسیج با قوادان و قاچاقچیان زنان همدست هستند و با آنها برخورد قانونی جدی نمی کنند و در صورت دستگیری نیز برای متهمان این جرائم کیفری های خفیفی در نظر گرفته می شود. از یک منظر، ریشه و دلیل این عدم برخورد و مدارا با قوادان را به نوعی می توان در یک سیاست کلان امنیتی جستجو کرد. در واقع این تعامل ناشی از یک سیاست کلان امنیتی است.

خانه های عفاف با مجوزهای قانونی فعالیت می کنند و زن ها را به صیغه مردان در می آورند. صیغه حتی می تواند برای چند دقیقه یا چند ساعت باشد اما موضوعی که عملکرد خانه های عفاف را بیشتر شبیه مراکز فساد و فحشا می کند، عدم نگهداری عده در صیغه است. زنان در پایان مدت هر صیغه باید در صورتی که قابلیت بارداری دارند، دو پاکتی بعد از دوره پر بود عده نگهدارند و با مردی صیغه نشوند و در صورتی که قابلیت بارداری نداشته باشند، باید ۴۵ روز بعد از هر صیغه عده نگهدارند. این موضوع در خانه های عفاف چندان رعایت نمی شود، چون رعایت آن، مسلما به درآمد آنها لطمه می زند. (به نقل از آسمان دبی نیوز)

مبارزه علیه مردسالاری و مذهب و دفاع از رهایی زنان و کودکان بخش مهمی از مبارزه طبقاتی جنبش کارگری است.

ک. ابراهیم

۱۵ مهر ۱۳۹۶

(۷ اکتبر ۲۰۱۷)



سوسیالیسم در برابر نظام اسلامی تخیلی!

نظام جمهوری اسلامی با ۳۹ سال درنده گی، در مقابل نفرت بی پایان کارگران و زحمت کشان ایران، قرار گرفته است. رهبری این نظام با سراسیمه گی خاصی در نجات این نظام، حيله جدیدی را در نقد آن توسط اندکی از روحانیت درجات چندمی، شروع شده است. تا با مصلح نشان دادن خود و فریفتن مردم، از فروپاشی این نظام جلوگیری کنند. این ترفند به سطح ولایت فقیه نیز رسیده است.

در روزنامه جوان سپاه پاسداران که در این فریب دهی شرکت دارد، آمده که دولت اسلامی در ایران نبوده و خامنه ای در ادامه



پیروز انتخابات در این جوامع هستند و فقط در دوران های سخت بحرانی و جنگ این بازی انتخابات کمی تغییر کرده است. در برخی از جوامع مانند استرالیا اگر فردی در انتخابات شرکت نکند با جریمه نقدی روبرو خواهد شد. در واقع این اجباری برای بالا بردن تعداد شرکت کننده گان در جهت کسب مشروعیت سیاسی است با استدلال مسخره شرکت در سرنوشت سیاسی با زور جریمه. مسئله تامین اجتماعی موضوعی است که بورژوازی کشورهای متروپول بسیار بر روی آن تاکید دارد. روشن است که در کشورهای متروپول سرمایه داری آزادی های فردی تا جایی که خطری متوجه سیستم سرمایه داری نکند وجود دارد. موضوعی که جذابیت خاصی برای انسان جهان سومی که حتی برای خوابیدنش هم باید مورد کنترل فکری و دولتی باشد، دارد. بطور مثال در عین آزادی پوشش برای زنان و آزادی رابطه بین زن و مرد، اما در کنار آن صنعت پورنو برای درهم شکستن رابطه های سالم اجتماعی و آلوده کردن آن از جانب بیشتر دولت های متروپول تقویت می شود. و یا سیستم تامین مالی (سوسیال) برای بیکاران جامعه وجود دارد و در عین حل برخی مسائل در زمینه بیکاری و سالمندی، به سیستمی برای تحکیم حضور طبقه بیکار و پائین نگه داشتن حقوق طبقه کارگر و مزد بگیران جامعه تبدیل شده است. حق اعتصاب در اکثر این جوامع مانند کشورهای جهان سوم یا ممنوع و یا توسط اتحادیه های زرد تحت کنترل و زد و بند از بالاست. دولت های جهان سوم معمولا به تظاهرات و اعتصابات با زندان و شکنجه جواب می دهند. ولی کشورهای غربی اینکار را با زور جریمه های نقدی و درگیر کردن معترضین در بوروکراسی های دولتی انجام می دهند. اخراج از کار امری عادی در تمام جوامع است و هیچ قانونی ظاهرا اجتماعی هم جلودار آن نیست. در جوامع جهان سومی مسئله ای به نام برابری در حقوق اجتماعی یا وجود ندارد و یا با هزاران تبصره و شرط و شروط آنها عملا کان لم یکن می کنند. ولی در جوامع متروپول با متغیر قرار دادن قانون و باز گذاشتن دست پلیس و دادگاهها بطور عملی این نابرابری را به ویژه در ارتباط با کارگران خارجی، نه به قانون اساسی بلکه به ارگان های دولتی واگذار کرده اند. در زمینه حقوق کودکان. در کشورهای تحت سلطه یا حقوق کودکان به لحاظ سنتی به عنوان بخشی از حقوق والدین

عمل انقلابی کمونیستی و نقد خرده بورژوائی

هم اکنون میلیونها آواره، مهاجر و فراری از کشورهای جهان سوم در کشورهای متروپول سرمایه داری زندگی می کنند و صدها هزار نفر در انتظار و یا آرزوی سفر به این کشورها هستند. ذهنیتی که رسانه های امپریالیستی از کشورهای اروپائی و آمریکا، کانادا و استرالیا برای کارگران و کلا مردم کشورهای جهان سوم ترسیم کرده است، بیشتر رویانی است. ذهنیت این است همه در آسایش و با حداکثر تامین اجتماعی در حال زندگی هستند. آموزش و پرورش و بهداشت و مسکن، سطح تغذیه، امنیت، آزادی های اجتماعی، حقوق اجتماعی در عالی ترین سطح تامین است. آیا اینها واقعیت دارند؟ و یا حقایق دیگری وجود دارند که رسانه های بورژوازی به راحتی آنها را دور می زنند تا تمایل مردم فقیر را به جذابیت های اجتماعی کشورهای متروپول سرمایه داری به صورت تمایل به بهشت سرمایه داری بجای نفرت از نظام سرمایه داری و در جهت رهایی از این سیستم استثماری نگه دارند.

اولین مسئله بصورت آزادی های سیاسی در کشورهای متروپول تبلیغ می شود. در واقع کشورهای امپریالیستی با کمک به قدرت گیری دولت های دیکتاتوری طایفه ای و خانواده گی و میراثی و سرکوب های افسار گسیخته در کشورهای تحت سلطه از یک طرف و سازماندهی انتخابات بین دو حزب کاملا دولتی با سیاست های یکسان و ظاهرا مخالف سیاسی و در حاشیه نگه داشتن بقیه احزاب در بلوک دو حزب دولتی تحت عنوان دموکراسی کشورهای متروپول سرمایه داری، با تبلیغات متمرکز و با استفاده از انحصارات رسانه ای بین المللی این نوع سیستم را دموکراسی و آزادی جلوه می دهند ولی کیست که نداند سیستم های امنیتی و پلیسی در این کشورها بسیار متمرکزتر و پیچیده تر و در خفا تر عمل می کنند. ولی بعلت اینکه هنوز جنبش های اجتماعی رو به اعتلا نیستند و بحران های اجتماعی و جنگ گریبانگیر این جوامع نشده است ظاهر این جوامع بسیار آرام به نظر می رسد اما در واقع خبری از دموکراسی به مفهوم شرکت مردم در سرنوشت خویش نیست. آنچه که هست حق انتخاب بین دو حزب دولتی است. در کشورهای متروپول سرمایه داری نزدیک به دو قرن است که دو حزب بطور دوره ای

تعمیق سوسیالیسم درکشور خود به بروز انقلاب در سطح جهانی کمک می کنند، حاکمیت صاحبان مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و روحانیت در کشورهای ارتجاعی برای در هم شکستن نظام سوسیالیستی دست به کار تشکیل "وحدت مقدس" در هم شکستن سوسیالیسم شدند و ارتجاع جهانی در این نبرد نا برابر موقتا پیروز شد و به قول معروف "ره دراز است و قلندر بیدار" زود است که شما در شیپور انزوی سوسیالیسم بدمید!

اما هم اکنون که جهان از ظلم و ستم طبقات استثمارگر حاکم و به انحراف کثانان مذهبی به جان آمده اند، شما که در جوانی به مثابه یک طلبه معمولی درمشهد فعالیت می کردید، اکنون به سطح رهبری مولتی میلیاردرها و حاکم مطلق در ظلم و جور درایران رسیده اید. حاکمان جنایت کار امپریالیست و متفکران آنها شب و روز علیه آزادی و برابری انسانها - اعم از زن و مرد - دادسختن رسمی دهند و سوسیالیسم را "منزوی" قلمداد می کنند که شما هم تکرار کننده این سخنان هستیید کور خوانده اید. اما شاید عمر شما کفاف ندهد ولی هرچه بشریت به جلو می رود، گند و کثافت حاکمیت ذهنی و عملی ایده آلیستها در مناسبات سرمایه داری حاکم کنونی - اعم از سکولار و غیر سکولار- آشکارتر شده و دوران شورشهای انقلاب در زودن این نظامهای موجود جهانی اعم از سرمایه داری در اشکال جمهوری، سلطنتی، مذهبی و برقرار ساختن سوسیالیسم به مثابه نظام رهایی بخش تبلور بیش از پیش می یابد. جامعه اسلامی درایران به آخر خط رسیده است و تلاش آخر عمری شما هم به جایی نخواهد رسید.

ک. ابراهیم

۱۸ مهر ۱۳۹۶



به تارنما های اینترنتی

حزب رنجبران ایران

مراجعه کنید

و نظرات خود را

در آنها منعکس کنید!



مطرح است و یا همچون بسیاری از حقوق اجتماعی فقط در قانون برای نمایش موجود است و عملاً در سطح جامعه حقوقی مطرح نیست و آن چیزی هم که بصورت عملی موجود است از طریق تلاش سازمان های مستقل از دولت ها و "سازمانهای غیردولتی" جلو برده می شود. در زمینه حقوق کودک در خانواده های جدا شده ، جوامع تحت سلطه با سپردن سرپرستی کودک به پدر بطور یک جانبه و کشورهای متروپول تحت عنوان حقوق کودک و مادر با سپردن سرپرستی کودکان آنهم بصورت یک جانبه به مادر باعث صدمات روانی عمیقی به کودکان می شوند. کارگر مهاجر بعلت درآمد پائین زندگی در محلات فقیر را ترجیح می دهد ، محلاتی که از امکانات عمومی به مراتب کمتری برخوردار است . مشکل خانواده گی و جدائی یک روند عادی در این نیروی کار مهاجر است. بحران های خانواده گی که ناشی از مهاجرت و نیز حضور دو و یا چند فرهنگی برای بچه های خانواده ، جدائی و گاهی بریدن از محیط خانواده را بوجود می آورد که یکی از بزرگترین مشکلات پدرها و مادرها در خانواده های مهاجر جهان سومی است.

دومین موضوع مسئله رفاه و تامین اجتماعی است. واقعیت این است که جوامع متروپول ناشی از مبارزات اجتماعی از یک سو و استثمار و استعمار جوامع تحت سلطه و کسب مافوق سود ، جوامع ثروتمند و با قوانین تقریباً تثبیت شده ای هستند، که اساس سیستم سرمایه داری را تامین می کرد. ولی با بحران سرمایه داری این کشورها هم دولت های رفاه را ترک کرده و مانند کشورهای تحت سلطه بیشتر خدمات اجتماعی را یا از بین برده و یا در حال از بین بردن و ضعیف کردن آن هستند. تقریباً بیشتر افراد از راههای مختلف در زیر قرض بانک ها بوده و فشار کار هر روزه بیشتر و بیشتر می شود. مالیات های مختلف و بهره های بانکی و پرداخت های دائمی رسیده های مختلف از قرض بانک ها تا آب و برق و ماشین و غیره باعث شده است که کارکنان این جوامع تحت شدیدترین (استرس ها و) فشار های روانی و اقتصادی قرار داشته باشند و برای این باید از خود بیگانگی انسان در این جوامع را که آمار خودکشی را بشدت بالا برده است بررسی کرد. در عمق جوامع رفاه و ظاهراً آرام جوامعی خوابیده است که همچون جوامع جهان سومی و تحت سلطه از صبح تا دیر وقت کارگران و زحمتکشان جامعه تحت فشار کار بوده و این روندی

روبه رشد است. حلقه ضعیف در کشورهای متروپول کارگران کشورهای جهان سومی هستند به همین دلیل بیشترین فشار در درجه اول شامل حال آنها می شود. درآمد کمتر ، کار بیشتر ، تحقیر ، بی حقوقی و راسیسم از عواملی هستند که کارگر مهاجر را بطور دائم به درون گرائی و جدایی از جامعه سوق داده و آنرا بصورت یک فرد بیگانه در می آورد. در جوامع جدید هم شکل طبقاتی در کشور خودی به نحوی بازسازی و بازتولید می شود. کارگر ایرانی وارد بازار سیاه کارفرمای ایرانی و کارگر عرب وارد کار بازار سیاه کارفرمای عرب و به همین شکل ادامه می یابد. البته در نسل های بعد این مسئله کمی کم رنگ تر می شود ولی حضورش موجود است.

بر طبق قوانین سازمان ملل و سازمان بین المللی کار، حقوق و قوانین مشخصی برای کارگران مهاجر وجود دارد. اما این قوانین یا اجرا نمی شوند و دولت ها به بهانه های مختلف از زیر بار آن شانه خالی می کنند. و یا مهاجران را در وضعیتی نگاه می دارند که آنها را وادار به بازگشت نمایند. امروزه که بازار کار کشورهای متروپول دیگر همچون گذشته به نیروی وسیع کارگر مهاجر احتیاج ندارد. قرار گاهها و کمپ های مهاجران یکی از بدتر مکان های برای زندگی انسان قرن بیست و یکمی تعریف شده است.

در تحت چنین شرایط متفاوتی هزاران مهاجر و فراری از جنگ داخلی و دولتی و سرکوب ناگهان خود را در جوامعی که قبلاً بصورت رویایی می انگاشتند ، در می یابند. هنوز فرد از زندان های این کشورها تحت عنوان اردوگاههای مهاجران بیرون نیامده است که کاملاً خود را بیگانه با جوامع جدید می یابد و سعی به تطبیق خود و برطرف کردن مشکلات می کند ولی هرچه جلوتر می رود کار سخت تر و مشکلات فراوانتر می شود. با ازدیاد مشکلات، خانواده دچار از هم پاشیدگی شده و کودکان خود را از محیط گرم خانواده محروم می بینند. بسیار از این مهاجران و پناهندگان که در کشور خود دارای کار و تخصص بوده اند در جوامع جدید برای امرار معاش مجبور به کارهای کاملاً ساده مانند نقاشی ساختمان ، راننده تاکسی و کارگر ساختمانی ، نگهبانی و ... می شوند. بعلت ارزان بودن کارگر خارجی ، کارگران کشورهای متروپول بعلت نبود یک حزب کمونیست و داشتن آگاهی سیاسی بجای متحد شدن با این دسته از کارگران آنها را رقیب خود دانسته و رقابت های ضد طبقاتی و بورژوائی با آنها توسط رسانه های

گروهی دامن زده می شود. معمولاً آمار در رابطه با وضعیت زندگی ، کار و درآمد و مقایسه آن با سطح عمومی جامعه به بیرون داده نمی شود. بطور مثال خودکشی ، کشتن همسر ، تحقیر در محیط های اجتماعی، نابرابری در حقوق و.... جریان می یابند.

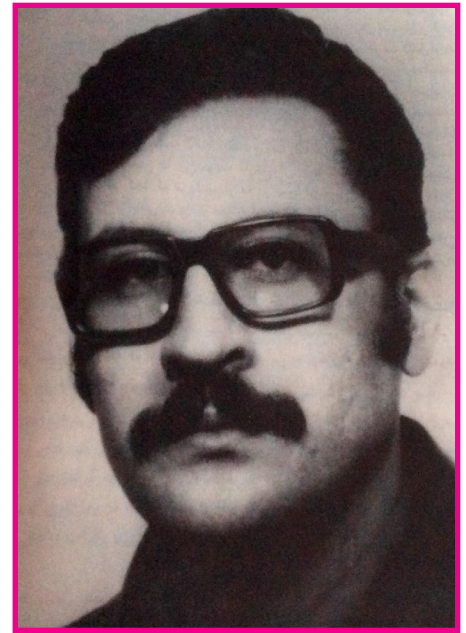
قوانین پیچیده ای که مانند اختاپوس به دست و پای کل جامعه چسبیده است. جدائی کارگر مهاجر از کارگران بومی را تشدید می کند. ندانستن زبان کشور جدید، عدم آشنائی با فرهنگ کشورهای متروپول و عدم تماس با جامعه از نزدیک ، امکان نزدیکی کارگر مهاجر به کارگر بومی و همراهی با آنها را بسیار سخت و گاهی غیر ممکن می کند. کارگر مهاجر به دنبال حل مشکلات گذشته خود است و به همین دلیل به گروه ملیتی خود نزدیک می شود. اما این مشکلات بعلت اینکه سریعاً قابل حل نیست فرد را در درون گروه های خودی نگاه داشته و خود باعث کندی پیوند کارگر مهاجر با جامعه جدید می شود. نقش دولت ها در این روند بسیار برجسته است. آنها تحت عنوان آزادی فرهنگی و با کمک به فرهنگ کارگر کشور مهاجر آنها از نوع مبتذلش ، گروههای متعدد ملیتی را در جوامع بوجود می آورند تا کل طبقه کارگر یک جامعه را در جدائی از هم نگاه دارند. بطور مثال کارگر مهاجر ایرانی حتی بعد از طولانی زندگی کردن در جوامع متروپول با کارگر این کشورها یا به لحاظ درک مشکلات و مسائلشان ناآشنا است و یا اطلاعات بسیار کمی از دیگر کارگران کشورهای مهاجر که در کنار هم هستند دارد. این بهترین حالت برای بورژوازی کشورهای متروپول است که به کارگران پراکنده هر شرایطی را که بخواهد تحمیل کند. با تمام نکات منفی که مهاجرت های میلیونی پناهندگان (بخوان نیروی کار ارزان) بر روی مهاجران دارد ولی تاریخاً بدون اینکه بورژوازی کشورها و بین المللی قادر به جلوگیری از آن روند باشند، باعث نزدیکی جوامع گوناگون جهانی به همدیگر می شود و کل جامعه بشری را برای یک نبرد تاریخی و تصفیه حساب با امپریالیسم و بورژوازی کشورهای جهان سوم آماده می کند. بطور واقعی طبقه کارگر جهانی به سطح ادغام و یکی شدن عینی رسیده است. انقلاب سوسیالیستی نقطه پایانی بر جدائی اجباری آنها خواهد گذاشت .

ع.غ.





بهرام راد



بهرام راد در هشتم مردادماه ۱۳۲۵ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات دبیرستانی-اش را در دبیرستان البرز گذراند و همانجا با شرکت در مبارزات دانش آموزی، نخستین تجربیات سیاسی خود را به دست آورد. در سن هجده سالگی برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، در شهر هیوارد، ثبت نام کرد.

بهرام به زودی به یکی از عناصر مؤثر کنفدراسیون تبدیل شد. در تشکیل انجمن دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا که از فعال ترین واحدهای سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا بود، نقش برجسته ای بازی کرد. دوستانی که در آن سال ها به «خانه ایران»؛ مرکز انجمن دانشجویان ایرانی رفت و آمد داشتند و از فعالیت های بهرام باخبرند، می گویند این واحد در آغاز چند عضو بیشتر نداشت و پس از مدتی کوتاه صدها نفر را به صفوف خود جلب کرد و در این کار، راد نقشی مهم داشت. بهرام بارها از طرف همین انجمن به عنوان نماینده در کنگره های سازمان شرکت کرد و در فعالیت های دفاعی که برای نجات جان زندانیان سیاسی از زندان های شاه سازماندهی می شد، شرکتی مؤثر داشت. او علاوه بر این، در تلاش های پیگیر بین المللی انجمن دانشجویان برای مبارزه با تبعیض نژادی در آمریکا و حمایت از جنبش سیاهپوستان آن کشور شرکت می کرد. در آن سال ها شهر برکلی مرکز مبارزه بر ضد جنگ ویتنام بود. انجمن دانشجویان ایرانی در این مبارزات حضور و شرکتی

پیگیر و گسترده داشت و بهرام هم به سان یکی از فعالان انجمن، معمولاً در صف اول این تظاهرات بود.

بهرام تحولات انقلابی در کوبا، ویتنام و الجزایر را دنبال می کرد و در پی آن با سازمان انقلابی آشنا شد و به صف هواداران آن پیوست. چندی بعد در نتیجه اختلافاتی که در نشست معروف به «جلسه کادرها» ایجاد شد، برخی از هواداران سازمان در آمریکا با ائتشیون معروف به «کادرها» هم دل بودند و بعضی با سازمان انقلابی همبستگی داشتند. بهرام برای آگاهی بیشتر با چند و چون این اختلافات به آلمان سفر کرد و از نزدیک با رهبران هر دو جناح به مذاکره نشست. بهرام در صف سازمان ماند. در آن زمان او جوان ترین عضو سازمان انقلابی بود.

بهرام در بازگشت به آمریکا نقش مهمی در حفظ این تشکیلات به عهده گرفت. وظایف سازمانی در سال ۱۹۷۰ سبب شد که او بار دیگر به اروپا سفر کند. این بار مسئولیت رهبری فعالیتهای دانشجویی سازمان انقلابی به او محول شد. در همین دوران به رهبری واحد آلمان و پس از چندی به عضویت در هیأت اجراییه سازمان انقلابی در خارج از کشور برگزیده شد.

او در آستانه انقلاب یه ایران بازگشت و با تشکیل حزب رنجبران ایران به عضویت در دفتر سیاسی آن انتخاب شد. بعد از آغاز حمله رژیم جمهوری اسلامی به حزب رنجبران، بنا بر تصمیم حزب، قرار شد بهرام برای مدتی از ایران خارج شود. او که بیماری معده شدیدی داشت، می بایست برای معالجه به اروپا میرفت. هنگامی که برای خروج از کشور همراه یک قاچاقچی از تهران به مرز ترکیه می رفت در طول راه، در جاده ی خوی به طرف سلماس، اتوموبیل شان دچار تصادف شد و بهرام جان باخت.

افسانه اسلامی، از اعضای اتحادیه کمونیست ها نیز به همراه همسرش در آن اتوموبیل بود و کشته شد. افسانه حامله بود. آنها به طور اتفاقی همسفر یکدیگر شده بودند. افسانه نیز از فعالین سازمان دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا بود. گویی سرنوشت بر آن بود که بهرام و افسانه، آنان که روزگاری در یک انجمن دانشجویی با سیاست آشنا شده بودند، در یک نقطه از خاک ایران، کنار هم بمیرند.



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline

سایت آرشیو روزنامه
رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>



لنین : بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم - از فصل ۱۰ نتایج چند

اکنون تمام مطلب در این است که کمونیستهای هر کشور خواه وظایف اساسی و اصول مبارزه علیه اپورتونیسیم و علیه آئین پرستی خشکمغزانه "چپ" و خواه خصوصیات مشخصی را که این مبارزه در هر کشور جداگانه ای بر وفق علائم ویژه اقتصادیات و سیاست و فرهنگ و ترکیب ملی (ایرلند و غیره) و مستعمرات و تقسیم بندی مذهبی آن کشور و غیره و غیره، پیدا می کند و ناگزیر باید پیدا کند، با آگاهی کامل در نظر بگیرند. همه جا نا رضایتی نسبت به انترناسیونال دوم احساس می گردد، بسط می یابد و افزایش می پذیرد و این نارضایتی خواه به سبب اپورتونیسیم انترناسیونال دوم و خواه به سبب آن است که انترناسیونال دوم قابلیت یا استعداد آن را ندارد که یک ارگان واقعا متمرکز و واقعا رهبری کننده بوجود آورد که قادر باشد تاکتیک بین المللی پرولتاریای انقلابی را در مبارزه ی وی بخاطر ایجاد جمهوری شوروی هدایت نماید. باید این نکته را به نحوی روشن درک نمود که یک چنین ارگان رهبری کننده ای به هیچ وجه نمی توان برپایه یکنواخت نمودن، هم سطح ساختن مکانیکی و همگون کردن قواعد تاکتیکی مبارزه بنامود. تا زمانی که تمایزات ملی و دولتی بین خلقها و کشورها وجود دارد (و این تمایزات حتا پس از استقرار دیکتاتوری پرولتاریا به مقیاس جهانی نیز طی مدتی بسیار و بسیار طولانی وجود خواهد داشت)، آنچه را که وحدت تاکتیک بین المللی جنبش کمونیستی کارگری کلیه کشورها ایجاب می نماید برانداختن این تنوع و محو تمایزات ملی نبوده (و این عمل در لحظه ی کنونی پندار پوچی است) بلکه به کار بستن اصول اساسی کمونیسم (حکومت شوروی و دیکتاتوری پرولتاریا) به شیوه ای است که این اصول را در جزئیات صحیحا تغییر شکل دهد و با تمایزات ملی و دولتی ملی دمساز نماید و تطبیق دهد. وظیفه ی عمده همه ی کشورهای پیشرو (ونه تنها کشورهای پیشرو) در لحظه ی تاریخی کنونی عبارت است از تحقیق، بررسی، تفحص، حدس و درک خصوصیات و ویژگیهای ملی در شیوه های مشخص هر کشور برای حل مسئله واحد بین المللی

یعنی پیروزی بر اپورتونیسیم و آئین پرستی خشک مغزانه چپ در داخل جنبش کارگری و نیز برای سرنگون ساختن بورژوازی و استقرار جمهوری شوروی دیکتاتوری پرولتاری، کار عمده (که البته هنوز به هیچ وجه تمام نیست، ولی کار عمده است) در مورد جلب پیشاهنگ طبقه کارگر و گرویدن وی به جانب حکومت شوروی علیه پارلمانتاریسم، به جانب دیکتاتوری پرولتاریا علیه دموکراسی بورژوائی، هم اکنون انجام یافته است. اکنون باید تمام قوا و تمام توجه را روی گام بعدی متمرکز ساخت که کمتر اساسی به نظر می رسد - و از لحاظ معینی واقعا هم کمتر اساسی است - ولی در عوض از لحاظ عملی به حق عملی مسئله نزدیکتر بوده و عبارت است از: کشف شکل انتقال یا نزدیکی به انقلاب پرولتاری.



سکتاریسم بیماری مزمن جنبش کمونیستی

دشمنان طبقه کارگر و اکثریت عظیم بشریت با اینکه مشتی کوچک اند واز دید طولانی و استراتژیکی غول های پاگلی، شیر های برفی و ببر کاغذی اند اما در میزان تاکتیکی باید آنها را حیوانات واقعی، خونخوار و با دندان های تیز به حساب آورد. تاریخ گواه است که جهان چنین نبوده و چنین نخواهد ماند. بزرگترین امپراتوری ها در هم پیچیده شده است و خونخوارترین جنایتکاران سرنگون شده اند. اما این گواهی تاریخ بخش دیگری هم دارد و آنها اینست که توهم نسبت به دشمن در میزان تاکتیکی نتیجه اش شکست و هرمان است و فرو پاشی قدرت ها را به تاخیر می اندازد. با حرکت از این واقعیت است که پیشروان انقلابی طبقه کارگر باید قادر شوند ضمن واقف بودن به آینده ی تابناک پیروزی بر دشمنان خود، در اتخاذ تاکتیک ماهر باشند و هر نبردی را علیه دشمن چنان سازماندهی کنند که پیروزی حتمی باشد. چنانچه خوب به تاریخ مبارزه طبقاتی بنگریم بورژوازی در این سالهای طولانی قادر شده است در عملیات تاکتیکی آنجائی پیروز شود که پرولتاریا نتوانسته به اصولی ترین اصول موجودیتش که وحدت و تشکیلات است تحقق بخشد. سکتاریسم یک گرایش بغایت انحرافی در جنبش کمونیستی است که تابه حال لطامات بزرگی به طبقه کار و پیروزی سوسیالیسم زده است.

البته سکتاریسم و فرقه گرایی پدید ه تازه ای نیست. از زمان های دیر و در نظام های پیشینه بار گرانی بوده که همچنان برگردی انسان سوار و سنگینی کرده است. در سرزمین هائی چون ایران - چهار راه بزرگ راه ابریشم، از چین در شرق و تا غرب در زنگبار، زنگ کاروانان در راهش به گوش می رسیده است، تنوع ادیان، مذاهب، اقوام و در عصر معاصر ملت ها بیشتر بوده و در نتیجه مسئله وحدت برای هدف مشترک پیچیده تر جلو ه می کند و هیچ فرمول یک رقمی و معجزه آسائی نمی تواند این مشکل تاریخی را به آسانی حل کند.

با تسلط سرمایه داری و گسترش ارتباطات جمعی چنین تصور می رفت که مناسبات طبقاتی روشن میان استثمار شدگان و استثمار کنندگان یعنی بورژوازی و پرولتاریا فرقه ها کمتر شده و سکتاریسم کم رنگ تر جلوه خواهد کرد. اما چنین نشد چون سرمایه داری طبق شرایط تاریخی خود و طبق شرایط محیط وامکانات مردمی و بر اساس قانون سود بیشتر عمل کرد و در سیاست از اصل " نفاق افکن، حکومت کن " پیروی نمود. بدین ترتیب می بینیم که نظام سرمایه همه جا یک جور و یک نواخت لنگر نیانداخت، بلکه با رشد ناموزون خود و تسلط همه جانبه انحصارات در دوران امپریالیسم بر اقتصاد جهان، جهانی شکل گرفت. نا متعادل، بخشی محدود ثروتمند و بخشی عظیم فقیر و محتاج. امپریالیستها همه جهان را پاره پاره کردند و بارها برای تقسیم مجدد آن و سلطه بیشتر و در دوران جدید برای سرکردی کامل چون حیواناتی هار پنجول به روی هم کشیده اند. جهانی که می بایست با تکامل سرمایه داری سکت ها را صاف کند، در میزانی بس عظیم تر خرافات و چرک و خون های عقب ماندگی های نظام های کهنه را نه تنها نزدود بلکه ضخیم تر به جامعه سرمایه داری انتقال داد. امروز وجود سکت ها به یک متن عمومی تکامل سرمایه داری تبدیل شده است.

کارگران را به کارگران یدی و فکری تقسیم کردند و به هر بخش نامی نهادند و هر رشته را بنام صنف خود خواندند. جنبش سیاهپوستان را جدا از سفید پوستان شکل دادند، جنبش زنان را از محتوای طبقاتی خالی کردند و به آن مهر فمینیستی زدند، سرخپوستان را وحشی نامیدند تا سرزمینشان تسخیر کنند اقوام را به جان هم انداختند و میان ملت ها ی موجود آتش دشمنی برپا نمودند. در میان هر ملتی هم چندین دین و فرقه کاشتند. راهزنان و غارتگران از خشکی و دریا با



عرصه ارگان های دولتی با قوه قضائیه و بطور ظاهرا نسبی با قوه مقننه در مقاطع مختلف زمانی متحد شوند.

اما مسئله ای که رژیم اسلامی در تمام دوران به قدرت رسیدن با آن دست به گریبان بود تقسیم قدرت در قانون اساسی بود که در اوایل انقلاب متن اولیه آن نوشته شده بود و بعدها هم با تبصره های مختلف حل نشد. این مشکل چه بود؟ مسئله تقسیم قدرت بین بالا ترین مقام دولتی (ولایت فقیه) با رئیس دولت . اولین بار این تضاد خود را بین خمینی و بارزگان نشان داد . بارزگان در واقع زیر بار روحانیت ایران که توسط خمینی رهبری می شدند نرفت و از قدرت کنار گذاشته شد . همین مسئله بعدا برای بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهور با خمینی و رجائی پیش آمد. بنی صدر با تکیه به رای میلیونی حاضر به امر ونهی خمینی نشد و بطور توطئه امیز و خشونت باری کنار گذاشته شد بعد از بنی صدر این تضاد بین خامنه ای به عنوان رئیس جمهوری با نخست وزیر وقت میر حسین موسوی پیش آمد که با پا در میانی خمینی اوضاع آرام می شد. رژیم سعی کرد که با حذف پست نخست وزیری و سپردن همه قدرت اجرایی دولتی به رئیس جمهور این مشکل را حل کند. ولی در تمام دوران بعد از حذف نخست وزیری و سپردن دولت بطور مستقیم به رئیس جمهوری باز هم تضاد بین رهبری دولت و سیاست گذاری با ولایت فقیه به عنوان سکانتار سیاست های پایه ای در رژیم جمهوری اسلامی از بین نرفت.

بعد از انتخاب مجدد احمدی نژاد و رشد اختلاف بین او و ولایت فقیه رژیم خامنه ای در یک سخنرانی به تغییر قانون اساسی در رابطه با پست ریاست جمهوری از انتخابی به انتصابی اشاره ای اولیه داشت او در سخنرانش در ۴ مهر ۱۳۹۰ امکان تغییر نظام ریاستی (انتخاباتی و رای مستقیم مردم) را به نظام پارلمانی رد نکرد و تغییر آنرا جزئی از سیاست های نظام دانست. در حقیقت خامنه ای با باز کردن این بحث چماقی را علیه پست ریاست جمهوری در راستای تسلیم تام و تمام رئیس جمهوری به خود برداشته است که به یک دست کردن قدرت کمک خواهد کرد. اما رژیمی که دستش تا مرفق به خون مردم آلوده است نمی تواند با یکدست شدن قدرت نیروی متحدی علیه توده های وسیع مردم و انقلابشان به بیشتر متشکل شدن ضد انقلاب دولتی بیانجامد، فشار اعتراضات مردم تأثیرات مشخصی بر روی قدرت در

قرار دهد. نتیجه بررسی را مرحله به مرحله در اختیار اعضای شبکه مطالعاتی قرار دهد و نظر خواهی نماید

دوم: سوسیالیسم و کمونیسم تابحال را چه در عرصه پراتیک و چه در عرصه تئوریک مور بررسی قرار دهد و به همان شیوه قدم به قدم کار تحقیقی خود را در اختیار شبکه وسیعتر علاقمندان قرار دهد

سوم: در نهایت و پس از پیشبرد دو محور مطالعاتی یکم و دوم با لا طرح چه باید کرد را بعنوان پیشنویس ارائه دهد. و پس از برخورد و نظر دهی همگانی اعضای شبکه مطالعاتی سند یا اسناد نهائی را برای تصویب عرضه دارد

محسن رضوانی اکتبر ۲۰۱۷



ریاستی یا پارلمانی

رژیم جمهوری اسلامی از روز به قدرت رسیدنش بطور مرتب مشغول تصفیه حسا ب های سیاسی درونی ، بیرونی بوده است هنوز درگیریهای خیابانی در روزهای ۲۲ و ۲۳ بهمن تهران به پایان نرسیده بود. که کمیته ها شروع به خلع سلاح مردم و سازمان های سیاسی کردند. عقب راندن ، حذف فیزیکی و روانی ، اعدام و شکنجه و کلیه وسایل و امکانات به کار گرفته شد که هیچ مخالفی اجازه عرضه اندام در برابر رژیم اسلامی پیدا نکند. منتها چاهی که رژیم برای مخالفانش کنده بود به مرور زمان خودش را هم به درون کشید. جناح های درونی رژیم که علیه گروههای مخالف سیاسی متحد عمل می کردند دچار دودستگی و انشعاب شدند. در قدم های اول جناح های ملی و لیبرال با زور از قدرت رانده شدند سپس نوبت ، ملی مذهبی ها و سپس خط امامی ها رسید و به همین سبب این پروسه ادامه یافت تا موقعی که اصلاح طلبان با به قدرت رسیدن خاتمی خود را تحکیم کردند هنوز اختلافات در پشت پرده و دور از چشم مردم حل می شد ولی زمانی رسید که دیگر حل اختلاف جناح های پر قدرت دورنی رژیم دیگر با نصیحت خمینی و پا در میانی خامنه ای قابل حل نبود. از اینجا به بعد هم خمینی و سپس هم خامنه ای مجبور شدند که چهره همگرایی را کنار گذاشته خود را در جناح های اصول گرا تر همچون روزنامه کیهان ، نشریه جوان و... غیره در رسانه ها و با سپاه پاسداران در عرصه نظامی و در

پرچم دینی و تمدن باستانی بارها به غارت دیگر سرزمین ها پر داخند و همچنان امروزه به شکلی دیگر در دوران انحصارات مالی و عصر سبیرنتیک ادامه می دهند. طبقه کارگر در دامن چنین جهانی و در بستر چنین جوامعی پا بعرصه زندگی گذاشته و رشد و تکامل می یابد. در نتیجه آلوده به تمام چرک و خون های زایمان چنین جامعه ایست . درست بدین خاطرست که پیشروی ایده های اصولی کمونیستی در میان طبقه کارگر هم دچار مشکلات شده است و هر بار که زمینه ی انقلابی خیزش طبقه کارگر بوجود می آید کائوتسکی ، خروشچف ، تین سیائو پینگ سر در می آورند .

طبق آموزش های اساسی مارکس طبقه کارگر تنها طبقه ایست که منافعش در وحدت خلق ها ، متحد شدن کارگران سراسر جهان علیه نظام سرمایه داری و امپریالیسم است. قدرت طبقه کارگر در اتحاد و همبستگی است. از این منظر هر جا سکتاریسم بر جنبشی مسلط می شود قدرت طبقه کارگر تضعیف می گردد ، دشمن خوشحال شده و توده ها ناراحت و ناراضی ، پراکنده و پریشان حال ، قدرت ابتکار را از دست می دهند در جنبش کمونیستی هم انشعاب پس انشعاب با برخوردی منفی گرایانه توسط سکت ها تا به امروز ادامه داشته است. یکی در سطح مارکس می ماند ، دیگری لنین راهم می افزاید تا دسته ای جدا گانه برپا دارد. سومی معتقد به تکامل تئوری مارکس ، مائوتسه دون را ادامه دهنده راه مارکس و لنین بر می شمارد. چهارمی می گوید کمونیسم علم است و باید به نام خودش آنرا خواند و مبارزه ایدئولوژیکی همچنان ادامه دارد. صدها رسانه و جریده در نقد دیگری همچنان در کارند. کنفرانس های وحدت با نیت خوب و آغازی لیزیز از شادی بر پا می شود و متاسفانه مدتی بعد با تلخی به جدائی می کشد. خوب با توجه به این سیر تاریخی تکامل سرمایه و افتان و خیزان رفتن خود طبقه کارگر که وظیفه تغییر جهان کنونی را بعهده دارد اما نه آرمان خواهانه و با باورهای متافیزیکی اجتناب ناپذیر، بلکه براساس نقش حکیمانه و سازماندهی آگاهانه چه باید کرد؟ من با توجه به اوضاع کنونی پیشنهادی را برای بررسی ارائه می دهم :

یک آکادمی کمونیستی جهانی براساس یک برنامه کاملن آکادمیک بوجود آوریم و سه محور بررسی و تحقیق را در این آکادمی سازماندهی کنیم

یکم: سرمایه داری از اول تا بحال را همه جانبه براساس شیوه علمی مارکس هدف

زنده باد جنبش انقلابی خلق کرد



هر جامعه بجای می گذارد که در رابطه با ایران به کشمکش های بیشتر جناح های درونی قدرت می انجامیده است.

اما این تضاد بین ارگانهای تصمیم گیرنده در رژیم جمهوری اسلامی که حتی به سطح مجلس شورای اسلامی با دولت ، دولت با قوه قضائیه و هم رسیده است ناشی از یک مشکل عمیق تر است که رژیم اسلامی اجازه بحث آنرا به هیچ کدام از جناح ها و یا ارگان های رهبریش نمی دهد و آن تضاد بین رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با قوانین ارتجاعی اسلامی اش از یک سو و مردم خواهان عدالت و آزادی از سوی دیگر می باشد. جناح های رژیم اسلامی تمامی تلاش های خود را برای سلطه بر دیگری بکار گرفته و می گیرد تا نه تنها سلطه سیاسی بلکه سلطه نظامی - امنیتی و مهمتر از همه سلطه بر ارگان های اقتصادی را کنترل کنند. این البته با منافع جناح های مختلف سیاسی و نظامی نیز بورژوازی داخلی و خارجی همخوانی دارد. هر گاه تضادهای جناح های مختلف بورژوازی بین المللی از یک سو و تضاد توده های وسیع مردم با رژیم اسلامی تشدید می شود نحوه جناح بندی این نیروهای درون حکومتی اشکال مختلف سیاسی به خود می گیرد.

خلاصه کنیم.دعوی درونی حاکمیت بر سر مسئله پست ریاست جمهوری و تقسیم قدرت جناح ها، جنگی بر سر قدرت برای دست اندازی به اقتصاد و بازار و نیروی کار وسیع و بزرگ در ایران است. جنگی است که دزدان حکومتی با تمام فریبکاری های اصلاح طلبی و اصول گرایانه شان به دنبال پر کردن جیب های گشادشان از قبل کار کارگران و زحمتکشان و دست اندازی به منابع و ثروت های طبیعی ایران هستند. برای جناح های درونی قدرت در ایران این اختلافی جدی است اما برای توده های وسیع مردم این اختلافی بین دزدان و اختلاس گران حکومتی برای غارت بیشتر مردم است. تا زمانی که رژیم بورژوائی جمهوری اسلامی بر سر قدرت است این دعوی درونی را پایانی نیست. پایان این اختلاف فقط با سرنگونی این رژیم و جایگزینی آن با یک رژیمی سوسیالیستی که مبنای حرکت خود را خدمت به دموکراسی پیگیر اجتماعی و حفظ منافع کارگران و زحمتکشان جامعه می گذارد قابل تصور است.

غ.غ

باشیم که علیرغم صدور قطعنامه برای ادامه موافقت نامه پاریس، رژیم هند با نخست وزیری مودی، از پیوستن به کمیته ملت ها جهت محکوم کردن تصمیم ایالات متحده، خودداری کرد و این زمانی است که ترامپ به شدت به هند حمله کرده و آن را به عنوان یکی از بزرگترین تیرهای (تولید کننده) کربن مشخص می کند در حالی که تولید کربن هند یک دهم تولید آمریکا است. همچنین بسیاری از امضاء کنندگان به انتقاد لفظی از عقب نشینی ترامپ قناعت کرده اند ، بدون در نظر گرفتن حتی دستاوردها و اهداف کاملاً ناکافی پاریس به مثابه فرصتی برای حفاظت واقعا موثر از آب و هوا (محیط زیست) در جهان.

ما از توده های جهان، تمام نیروهای دموکراتیک و مترقی، فعالین محیط زیست و همچنین جامعه علمی درخواست می کنیم که قاطعانه جهت محکوم کردن این تصمیم ایالات متحده اقدام نمایند و جهت اعتراض و اقدامات لازم برای حل و فصل بحران زیست محیطی کره زمین که بیش از پیش در حال تشدید است متحد شویم.

امضاکنندگان (تا تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷، امضاهای آتی ممکن می باشد)

۱- ORC سازمان انقلابی کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو

۲- MMLPL خط پرولتری مارکسیست-لنینیست مراکش

۳- (ML) حزب کمونیست CPSA آفریقای جنوبی (مارکسیست-لنینیست)

۴- PPDS حزب سوسیالیست دموکراتیک میهنی تونس

۵- سازمان مارکسیست-لنینیست MLOA افغانستان

۶- CPB حزب کمونیست بنگلادش

۷- ستاره سرخ حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست)

۸- حزب کمونیست هند (مارکسیست لنینیست) (PCC CPI(ML)

۹- حزب رنجبران ایران

۱۰- NCP (مشعل) حزب کمونیست نپال

۱۱- انقلابیون کمونیست بلاروس

۱۲- MLPD حزب مارکسیست لنینیست آلمان

۱۳- سازمان کمونیستی لوکزامبورگ

۱۴- سحر سرخ (هلند)

۱۵- بستر های نرم افزاری مارکسیست-لنینیست، روسیه

۱۶- گروه مارکسیست-لنینیست از سوئیس

۱۷- اتحادیه کمونیستهای انقلابی ترکیه

۱۸- حزب بلشویک (شمال کردستان و ترکیه)

۱۹- شورای هماهنگی جنبش طبقه کارگر، اوکراین

۲۰- حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست، جمهوری دومینیکن

۲۱- حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) پاناما

۲۲- حزب کمونیست (مستقل) پاراگوئه

۲۳- PML حزب مارکسیست-لنینیست پرو

۲۴- PPP حزب پرولتری پرو

۲۵- حزب کمونیست نوین هائیتی (مارکسیست لنینیست)

۲۶- حزب کمونیست ترکیه / کردستان

۲۷- حزب کمونیست چکسلواکی - حزب کارگران چکسلواکی، جمهوری چک



تشنج آفرینی... بقیه از صفحه آخر

رای دهی گرچه لحظه ای ولی به صورت لهله و شادی بخش طنین انداز می شود و فراموش می گردد که : مگر رای مردم در برخی کشورها به سود جنگ تحت عنوان "دفاع ملی"، "انتخاب فاشیستها" به صدرات کشور، "جمهوری اسلامی نه یک کلمه و حرف بیشتر"، "انتخابات مجلس" دایما با شادیهای پیروز شدن، صورت نمی گیرد و این سؤال در برابر توده های مردم قرار نمی گیرد که "رای دادن به نفع کدام طبقه و قشر اجتماعی است؟" و به این اعتبار "آیا تحریم این گونه رای دهی ها ضروری است یا نه؟" و این سؤالها اولین گام درمقابله و یا در تایید آن راهگشا می باشد.

امروز کسانی پیدا شده اند که به نام کمونیست بودن "احترام به رای مردم" را با ندیدن "رای به نفع کی؟"، به جای تحلیل مادی و دیالکتیکی "ماهیت این رای دهی" دچار عوام فریبی، کشف احساس تاریخی توده ها و غیره شده و عملاً نه به خاطر رهائی توده ها بلکه به دنبال روی از حاکمان توده ها سینه می زنند!

پس از تلاش قرنها مبارزه ی توده های مردم در رهائی از ظلم و ستم حاکمان فئودال و سرمایه دار غیر خودی تحت رهبری نیروهای فئودالی، مذهبی، خرده بورژوائی و بورژوائی خواستار "خودمختاری ملی کورد"، "حق تعیین سرنوشت ملی برای جدائی"، "تشکیل دولت فدرالی در چارچوب کشورهای چندملیتی" و غیره جریان یافته است. از جمله تشکیل دولت خودمختار فدرالی در کوردستان عراق تا حد فدرالی بودن دولت عراق و شرکت "نمایندگان" از کوردها در دولت مرکزی، تحت هدایت حزب دموکرات کوردستان به رهبری مسعودبارزانی بالاخره در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ (۳مهر ۱۳۹۶) با برگزاری فرماندوم جدائی و رسیدن به "استقلال ملی" با کسب ۷۰٪ رای مردم کورد، ایجاد روحیه ی کاذب تحقق خواست مردم در حد بورژوائی و کشاندن آنان به راهی





پروازهای ایران به مقصد فرودگاه‌های سلیمانیه و اربیل و از مبداء اقلیم کردستان متوقف شده است.

اما این مداخلات این کشورها از نظر نظامی نیز با چنگ و دندان نشان دادن نظیر ارسال نیروی عراقی به کرکوک، تقویت پایگاه نظامی ترکیه در شمال کردستان عراق و آتش افروزی رژیم جمهوری اسلامی مقدمه‌ای تشنج آفرینی را نشان می‌دهد:

مناطق مرزی ایران با کردستان عراق مورد هدف قرار گرفت.

«اسپوتنیک» به نقل از خبرگزاری آناتولی، حزب اتحادیه میهنی اداره اقلیم کردستان عراق در سایت رسمی خود نوشت: مناطق کوهستانی به ویژه شش روستا در منطقه بالکایتی و حاج عمران استان اربیل در نزدیکی مرز ایران بدون وقفه توسط توپخانه ایران مورد هدف قرار گرفت. در مورد خسارات و تلفات احتمالی ناشی از این حملات خبری داده نشده است. وقوع این حملات در آستانه برگزاری همه‌پرسی جدایی اداره اقلیم کردستان عراق از دولت مرکزی این کشور حائز اهمیت می‌باشد.

بعضی خبرها هم می‌گویند سپاه پاسداران در قالب یک رزمایش از اجرای آتش سنگین توپخانه‌ای در مناطق غربی کشور و نزدیک کردستان عراق خبر داده است.

درچنین شرایطی وظیفه‌ی کلیه‌ی تشکلهای کمونیست در خاورمیانه با بلند کردن پرچم نظام سوسیالیستی در خاورمیانه و

درطلب بروز انقلاب اکتبر کارگری فریاد می‌زند و بربریت نظام حاکم امپریالیستی برجها عریبه‌های نابودی کشورها را به سبک هیتلری امروزه سر می‌دهد!! و مرتجعانی که با خروارها افکار گذشته‌ی ایده‌آلیستی و کهنه خود را به زنجیر بسته‌اند رهائی نظام سرمایه‌داری را در گرو مبارزه با سوسیالیسم تحت حاکمیت دین بر دولت‌ها در بوق و کرنا می‌دمند!!

اما درشرایطی که حرف اول را حاکمان سرمایه دار می‌زنند، حتا قبل از برگزاری این رفراندوم «استقلال طلبی» این تشنج آفرینی شروع شده است:

ترکیه مرز هوایی اش را به روی کردستان عراق بست یک روز به رفراندوم جدایی کردستان عراق باقی‌است. ترکیه پروازهای خود به مقصد و یا از مبداء اقلیم کردستان عراق را بسته است. به گزارش اسپوتنیک به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان، شورای امنیت ملی ترکیه آسمان این کشور را به روی هواپیماهایی که به مقصد یا از مبداء اقلیم کردستان عراق پرواز کنند، مسدود کرد. شورای امنیت ترکیه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد از این پس آسمان این کشور بر روی هواپیماهایی که به مقصد و یا از مبداء اقلیم کردستان عراق پرواز کنند، بسته خواهد بود.

شورای عالی امنیت ملی ایران نیز به درخواست دولت مرکزی عراق مرزهای هوایی ایران با اقلیم کردستان را مسدود اعلام و در بیانیه‌ای خاطر نشان کرد کلیه

موفق شدند تا حاکمیت نظام سرمایه‌داری در منطقه کردستان به تحقق کاملی با شروع قبیله بازی برسد.

اما با در پیش گرفتن این سیاست جدایی، نه تنها رهائی توده‌های کارگر و زحمت کش و زنان پرتحمل و مبارز کورد از ظلم و ستم حاکمان خودی تحقق نیافته و از این به بعد نیز نخواهند یافت، بلکه به دلیل دامن زدن به «ملی‌گرایی» و گسترش آن به دیگر کشورهای ترکیه، ایران، و سوریه مرکز تشنج آفرینی جدیدی را در خاورمیانه آفریند که مستقل از تضادهای موجود در تعیین مرزهای کشوری بین دولتهای بورژوائی کورد و غیرکورد، زمینه برای مداخلات نفوذی امپریالیستی و صهیونیستی آینده درخشان مناسبات دوستانه بین ملل ساکن این منطقه به وجود خواهد آمد.

تاکید کلیه‌ی نیروهای راستین کمونیست در از بین بردن تضادهای از خودبیگانگی ناشی از تضاد طبقاتی، تضاد ملی، تضاد دینی، تضاد جنسیتی، تضاد زبان رسمی، درهم کوبیدن شوونیسم «مرزهای پرگوهر» است که در گرو احترام متقابل کلیه‌ی انسانهای رنج کشیده در میان جنگهای این تضادها که عمدتاً اکنون توسط طبقات سرمایه‌دار در این منطقه صورت می‌گیرد. آزادی و برابری این ملل تنها و تنها تحت رهبری طبقه کارگر این منطقه و برپایه‌ی برقرار ساختن نظام سوسیالیستی چنین منطقه‌ی آزاد، برابر و شکوفان ممکن می‌گردد. جهان امروز





تتشکیل اتحادی فشرده در این راستا می تواند خط رهائی راستین ملل تحت ستم را هرچه روشنتر بیان داشته و مانع آن شوند که با شدت یابی "ملی گرایی" و جنگهای خانمان سوز یک دیگر تبدیل به کشت و کشتار توده های کارگر و زحمت کش منجر نشده و برعکس برای اولین بار به تمام کارگران جهان و انسانهای آزادی خواه نشان دهند که راه حل راستین پایان دادن به از خود بیگانگیهای موجود در دست طبقه کارگر و احزاب کمونیست راستین کشورهای مختلف می باشد. اگر به تاریخ جمعبندیهای کمونیستی توجه کنیم رهنمود ارزشمند نئین در مورد مساله ملی و مستعمراتی برای دومین کنگره انترناسیونال کمونیستی آموزنده است:

۱- خاصیت جبلی دموکراسی بورژوائی بنابر طبیعتی که دارد، این است که موضوع برابری بطور اعم و از آنجمله برابری ملی را به شیوه ای انتزاعی یا صوری مطرح نماید، دموکراسی بورژوائی تحت عنوان برابری شخصیت انسانی بطور اعم برابری صوری یا قضائی مالک و پرولتر، استعمارگر و استثمارشونده را اعلام می نماید و بدینسان طبقات ستمکش را به فاحش ترین نحوی می فریبد. اندیشه برابری، که خود انعکاسی از مناسبات تولیدکالائی است توسط بورژوازی به بهانه ی برابری به اصطلاح مطلق افراد انسانی، به آلت مبارزه علیه محوطبقات تبدیل می گردد. مفهوم واقعی خواست برابری فقط عبارتست از خواست محوطبقات.

۲- حزب کمونیست که مظهر آگاه مبارزه ی پرولتاریا در راه برافکندن یوغ بورژوازیست، بر وفق وظیفه ی اساسی خود برای مبارزه علیه دموکراسی بورژوائی و افشای اکاذیب و سالوسی آن باید در مورد مساله ملی نیز آنچه را که در راس مسائل قرار می دهد اصول انتزاعی و صوری نبوده بلکه عبارت باشد از: اولاً در نظر گرفتن دقیق اوضاع و احوال مشخص تاریخی و مقدم بر هر چیز اوضاع و احوال اقتصادی؛ ثانیاً جدا کردن صریح منافع طبقات ستمکش یعنی زحمت کشان و استثمار شوندهگان از مفهوم کلی منافع ملت بطور اعم که عبارتست از منافع طبقه حاکمه؛ ثالثاً به همین سان صریحاً مجزا ساختن ملل ستمکش، وابسته و نامتساوی الحقوق از ملل ستمگر، استثمارگر، کامل الحقوق برخلاف اکاذیب بورژوادموکراتیک که به وسیله آن اسارت مستعمراتی و مالی اکثریت عظیم اهالی زمین بوسیله اقلیت ناچیزی از کشورهای سرمایه داری پیشرو

و بسیار ثروتمند ... پرده پوشی می گردد"...

ک. ابراهیم

۶ مهر ۱۳۹۶

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۷

سلاح ها الکترومغناطیسی...

بقیه از صفحه آخر

یکی از این اسلحه ها یک وسیله نقلیه مین پاککننده از راه دور که قادر به شناسایی و منفجر کردن معادن تا ۱۰۰ متر است، می باشد. لیستوا، یک وسیله نقلیه مین پاک ساز از راه دور که قادر به شناسایی و منفجر کردن معادن تا ۱۰۰ متر می باشد. این یک چنین اسلحه ای است.

یک وسیله نقلیه زره پوش مجهز به یک فرستنده با فرکانس فوق العاده بالا در مقابل یک سیستم موشکی متحرک حرکت می کند. این مین های زمینی رادیویی را که در کنار و دور از جاده کاشته شدند را با استفاده از راه دور نفوذ زمینی کاوش می کنند و تشخیص می دهند و سپس از اشعه های با فرکانس بالا استفاده می کند تا آنها را خنثی کند. این یک تکنیک بسیار جدید است که هرگز قبلاً استفاده نشده است.

در جریان یک تمرین در روز چهارشنبه، حدود ۲۰ دستگاه واقعی انفجاری تلفن همراه کنترل شده در طول مسیر یک ستون از موشکهای بالستیک موبایل یارس، کاشته شدند. یک وسیله نقلیه لیستوا تمام آنها را ردیابی کرد و آنها را از مدتها قبل از اینکه موشکها به آن منطقه رسیده باشند منفجر کرد. در دو سال آینده، نیروهای موشکی استراتژیک روسیه بیش از ۱۵۰ دستگاه لیستوا مین روبی را دریافت خواهند کرد.

سلاح های آینده

سلاح های رادیویی منحصر به فرد بر پایه اصول فیزیکی جدید که در پائیز گذشته در روسیه مورد آزمایش قرار گرفتند از فرستنده های الکترومغناطیسی تلفن همراه برای غیرفعال کردن کلاهک های موشکی و الکترونیک هواپیما استفاده می کنند.

بمب های الکترومغناطیسی که توسط روسیه توسعه یافته اند می توانند از سلاح های هسته ای موثرتر باشند، زیرا آنها با یک موج کوتاه الکترو مغناطیسی قادرند کل ارتش را خنثی سازند. علاوه بر این، برخلاف گیرنده های الکترونیکی هم اکنون موجود، آنها می توانند به طور کامل آنها را از بین ببرند و یا به طور جدی خسارات وارد سازند، حتی سلاح های خارج از خط، مانند تانک، هواپیماهای زمین نشسته و موشک های قرار گرفته در

سیلوه ها را خنثی کنند.

پیش از این گزارشات رسانه ای اعلام کردند که صنعت دفاع روسیه با یک موشک الکترو مغناطیسی جدیدی به نام الوبوگا که از یک منبع قدرتمند با فرکانس فوق العاده بالا برای غیر فعال کردن تمام تجهیزات الکترونیکی دشمن در شعاع ۳ و نیم کیلومتری استفاده می کنند، بطوریکه آنها را به یک « گروهی از فلز اوراق» بدل می سازند. یک پرتو هدایت شده از امواج فرکانس خاص دارای اثر پتک سنگین بر روی تجهیزات الکترونیکی است که کامپیوترها و سیستم های هدایت کننده هوانوردی (یعنی بطور فیزیکی مورد مادر آنها را) از بین می برد.

روسیه قصد دارد چنین سلاح هایی را در هواپیماهای بدون سرنشین، پهپاد ها قرار دهد، به خاطر اینکه فرکانس قدرتمند فوق العاده بالا می تواند خلبانان را بکشد.

سلاح های رادیویی الکترونیکی می توانند مکانیسم بارگیری تانک ها را بشکنند، توپهای توپخانه را در داخل تونل منفجر سازند و سربازان دشمن را که در داخل یک پناهگاه پنهان شده اند یا تا ۱۰۰ متر زیر زمین به خود پوشش دادند، نابود کنند.

طراحی خارجی ها

ایالات متحده، اسرائیل و چین به همان اندازه مشغول توسعه انواع خاصی از سلاح های الکترومغناطیسی هستند. در طول عملیات طوفان صحرا در عراق، در سال ۱۹۹۱ آمریکایی ها از بمب الکترونیکی نسبتاً ابتدائی استفاده کردند یعنی کلاهک های موشک کروزر تاماهاک خود را با فیبر کربن نصب کردند.

در نتیجه موشکها خطوط الکترونیکی نیروگاه های برق عراق و خطوط برق را از کار انداختند و به شدت زیر ساختهای حیاتی کشور و دفاع هوایی را صدمه زدند.

پنتاگون طی حمله ناتو در سال ۱۹۹۹ علیه یوگسلاوی از سلاح های الکترومغناطیسی پیشرفته استفاده کرد. تنها در طی دو هفته اول، نیروی هوایی ایالات متحده بیش از ۴۰۰ بمب فوق العاده سنگین جی دی ای ام بسته بندی شده با الیاف گرافیتی و فلزی با ذراتش که کل سیستم کنترل دفاع هوایی کشور را از بین برد.

از آنجایی که سلاح های الکترومغناطیسی قادر به عقب برگرداندن یک ملت تا قرن ها هستند، کشورها در حال حاضر ابزار جدیدی برای دفاع از خودشان برای مقابله با این سلاح های ترسناک را توسعه می دهند.





در جنبش جهانی کمونیستی

ترامپ از پیمان آب و هوای (محیط زیست) پاریس بیرون می آید
قطعه نامه ICOR،
۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷

اعلام خروج ایالات متحده از بزرگترین آلاینده های کرین جهان، از موافقتنامه آب و هوای (محیط زیست) پاریس توسط ترامپ یک بار دیگر سیاست تهاجمی امپریالیسم آمریکا را نشان میدهد. این توافق نامه در سایه نیاز فوری به یک راه حل اساسی و لازم روزانه، پوششی است بر مبارزه توده

های جهان بمثابه نیروی تعیین کننده در مبارزه جهت تلاش های بیشتر دولت ها برای غلبه بر فاجعه زیست محیطی که با آن روبرو هستیم.

بنابراین، عقب نشینی تحریک آمیز ایالات متحده از پیمان پاریس، تجاوزی عریان علیه خواسته های مردمان کشورهای جهان است! تقریباً تمام کشورهایی که این توافقنامه را امضا کرده اند، در برابر این تصمیم کاملاً جنایی توسط رئیس جمهور سرکش دولتی که تا به امروز هیچیک از موافقت نامه های

اقليمی را که به اتفاق آرا از سوی کمیته های ملل به امضا رسیده است، از جمله پروتکل کیوتو، اجرا نکرده، متحدان ایستاده اند. زمان آن رسیده است که نیروهای مترقی جهان با ابتکار برای اتخاذ تصمیمات جدی تر پُر معنا جهت حل و فصل خطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی که به طور مستقیم از الگوی توسعه ناشی می شود که امروزه با انگیزه سودمندی کورپراسیون ها هدایت می شود.

با این وجود، مهم است که توجه داشته

تشنج آفرینی جدید و موضع کمونیستها

در تاریخ تکامل جوامع طبقاتی و کلا تعهد به درک و پذیرش تحلیلهای علمی ماتریالیسم تاریخی، در مراحل مختلف این حرکت به نسبت منافع طبقات محکوم در برابر طبقات حاکم مقولاتی نظیر عدالت، حق، استقلال، خودمختاری، جدائی ملل، انتخابات، رفراندوم، دموکراسی و غیره پیش کشیده شده اند. ولی ماحصل دفاع از این مقولات همانند درهم آمیزی روغن و آب دریک ظرف به طور کامل، ممکن نیست. هرکدام از این خواسته ها به نسبت درجه

ی نفوذ اقشار و طبقات معینی در هر جامعه ای در خدمت آنانی قرار گرفته اند که در سطح حکمرانی قرار داشتند و یا بخشی از افراد جامعه خود را به سطح حکمرانی رسانده اند. صدای بخش غیر حکمران، به مثابه "در نظام طبیعت ضعیف پامال است"، هیچگاه به معنای واقعی کلمه پژواک و تحقق نیافته است. درک ماهیت طبقاتی این مقولات اولین وظیفه ی هر انسان آزادی خواه است که در موضع طبقه کارگر قرار دارد. باتوجه به این که بررسی و درک هر کدام

از مقولات فوق توضیحات تاریخی فراوانی لازم دارد، به سنگین شدن این تحلیلهای می افزاید. فقط به آخرین مطلبی نظیر "رفراندوم" اشاره خواهیم کرد که این روزها به عنوان یک حرکت مورد دفاع از جانب بسیاری پذیرفته شده است. بدون این که در نظر گرفته شود بدون آگاهی رای دهنده گان از نتایج این رای دهی و چرایی آن، به طور مکانیکی و در نا آگاهی رای ها به صندوقها ریخته می شوند و صرف نظر از تقلبات در شمارش و یا رای ریزیهای تقلبی و غیره هنر "دموکراتیک"

سلاح های الکترومغناطیسی روسیه می تواند "کارآمد تر از سلاح های هسته ای" باشد

قبل از ارائه این مقاله به خوانندگان عزیزمان باید خاطر نشان سازیم که پیشرفت های متعددی که روسیه کنونی در زمینه علم، تکنولوژی، صنعت و کشاورزی کسب کرده، تا جاییکه حتی در زمینه نظامی از کشورهای ناتو نیز پیشی گرفته باید مدیون ۳۶ سال حاکمیت حزب کمونیست در اتحاد جماهیر شوروی که اولین انسان، یوری

گاکارین را به خارج از جو با موفقیت برد و کشف سیستم کامپیوتری (مایکرو پروسور) باشد. این ها واقعیت هایی هستند که هرگز نمی شود نادیده گرفت و آنها را تبلیغ نکرد.

روسیه در حال توسعه سلاح های رادیو الکترونیکی است که از یک نیروی با فرکانس بسیار فوقانی قدرتمند که قادر به

از بین بردن تمامی تجهیزات الکترونیکی از مایل ها فاصله می باشد و حتی تغییر مسیر جنگ را نیز می دهد، استفاده می کند.

توسط الکساندر خروونکو، خبرگزاری اسپوتنیک، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۷

منطقه: روسیه و کشورهای مجاور
موضوع: آگاهی و جاسوسی، نظامی کردن و تسلیحات کشتار جمعی

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org